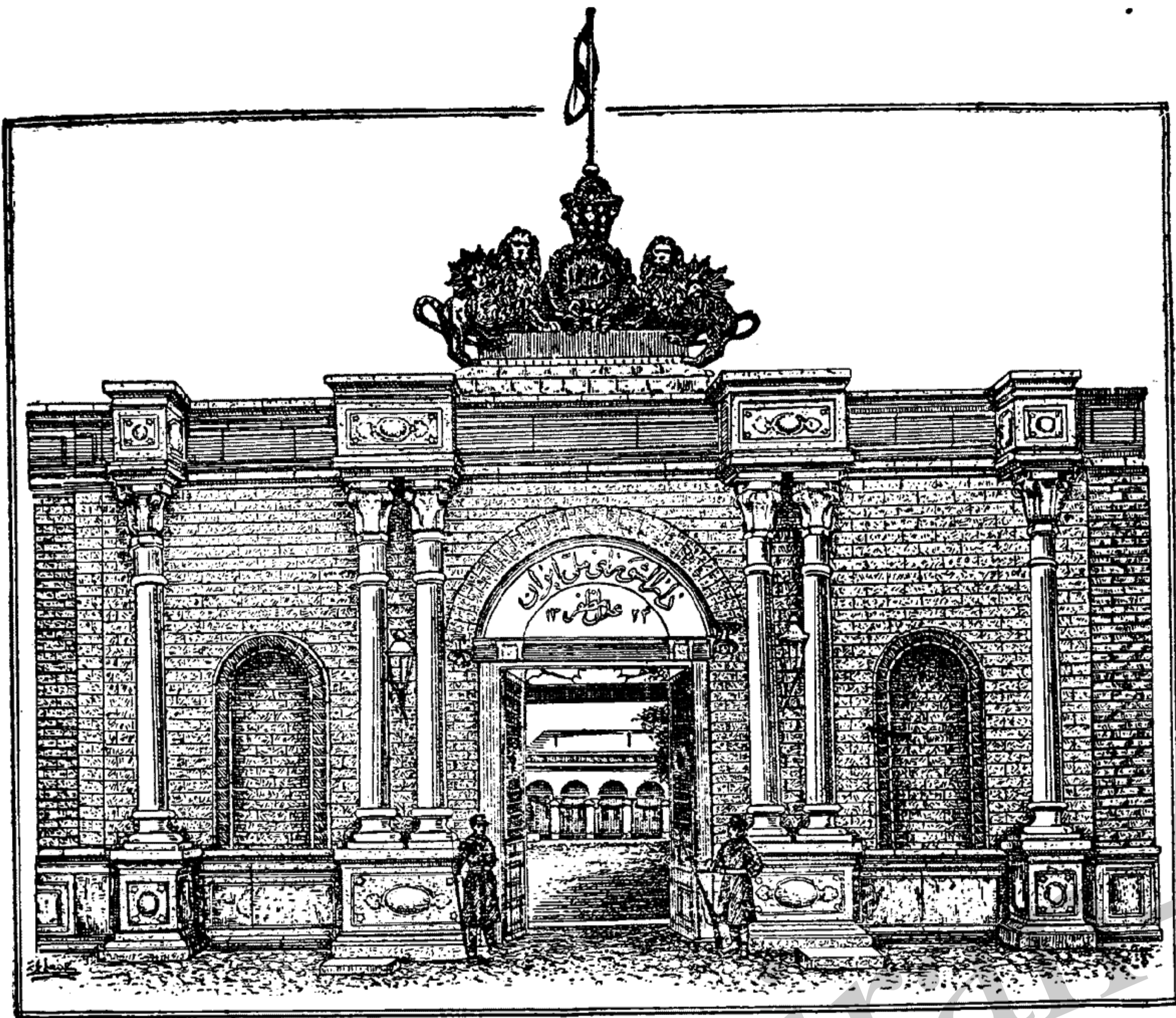


دوره ششم تفهینیه

<p>جلسه ۱۲۰</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۸۵</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه ۲۸ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۹ ذیحجه ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره شانزدهم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۲۸ خردادماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۹ ذیحجه ۱۳۴۵

جلسه ۱۲۰

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر ریاست آقای طباطبائی دبیرا نایب رئیس تشکیل گردید)
 (صورت مجلس پنجشنبه ۲۵ خرداد را آقای دیوان بیگی قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان : اسفندیاری - آبت الله زاده خراسانی - نظام مافی - سید ابراهیم ضیاء - حیدری مکرری - میرزا ابراهیم خان قوام - لیقوان - بنی سلیمان - فرشی -

نمبره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور لایحه تمدید اختیارات قانونی آقای وزیر عدلیه و تصویب آن	۱۷۱۹	۱۷۵۴
۲	قانون تمدید قانون مصوب ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ راجع باختیارات وزیر فعلی عدلیه بمدت چهار ماه	۱۷۵۵	

میرزا ابراهیم آشتیانی - میرزا حسن خان وثوق - زعیف
 غائبین فی اجازه جلسه قبل
 آقایان: علی خان اعظمی - حشمتی - حاج حسن آقاملک
 دیر آمدگان فی اجازه جلسه قبل
 آقایان: نوبخت - میرزا محمد تقی بهار
 نایب رئیس - در صورت مجلس اعراضی نیست؟
 (گفته شد خیر)
 نایب رئیس - تصویب شد
 نایب رئیس - لایحه عدلیه مطرح است آقای دکتر
 مصدق.
 دکتر مصدق - بنده قبل از آنکه در پیشاپیش خود
 توضیحاتی که لازم است عرض کنم، راجع به فرمایشی که
 آقای ریاستی فرمودند و يك فرمایشی هم که آقای وزیر
 عدلیه فرمودند...
 یک نفر از نمایندگان - بلندتر آقا
 دکتر مصدق - چشم، بر حسب ماده ۱۰۹ نظامنامه
 میخواهم يك توضیحاتی بدهم، آقای ریاستی در نطقی که
 فرمودند، فرمودند: فلان عقیده به ایسانسیه های مدرسه
 حقوق ندارد، در صورتیکه بنده به ایسانسیه ها عقیده
 دارم و این دلیل نمی شود اگر من بيك کسی يك حرفی
 زده ام، اگر بگویند مثلاً یک نفر از وکلا بد است این
 دلیل بر این نیست که همه وکلا بد باشند، اگر يك نفر
 ایسانسیه کاری کرده باشد دلیل بر این نیست که بنده به
 دیگران معتقد نباشم، بنده به ایسانسیه معتقد و حقیقتاً
 وجود آنها را برای مملکت مفید میدانم و مملکت را
 روزی دارای سعادت می بینم که امثال اینها زیاد بشوند
 و مملکت هم بتواند از وجود آنها استفاده نماید، این
 عقیده بنده است نسبت به آنها، و اما آقای وزیر عدلیه
 يك فرمایشی فرمودند یعنی از بنده گله کردند و اگر
 بنده در مجلس يك عرضی کردم ایشان تصور کرده اند که
 من خواسته ام بگویم که ایشان خواسته اند بنده را تطمیع

کرده باشند برای رفتن به عدلیه، بنده خدا شاهد است که
 يك چنین تصویری را هیچ وجه من الوجوه نکرده ام مقام وساحت
 ایشان منزه از این است که کسی را تطمیع بکنند، ایشان
 اگر فرمایشی به بنده فرمودند از روی عقایدی بود که
 به بنده داشتند و مایل بودند که بنده را ببرند به عدلیه
 و واقعاً از وجود بنده استفاده کنند و بنده هم
 اگر رفتم فقط برای این بود که ایشان با اینکه کمال
 عقیده را به بنده دارند ولی عرایض بنده را قبول
 نکردند، این بود که گفتم خوب این جا يك اختلافی
 است حضرتعالی به من عقیده دارید لکن عقاید مرا
 نپذیرفتید بنا بر این من در عدلیه چه کار میتوانم بکنم
 اصل قضیه این بود و لایحه بهیچوجه من الوجوه سوء
 نظری ندارم، این را خصوصاً خواستم توضیح داده بشم
 بعداً يك سره تفهیمی شده باشد، اما راجع به پیشنهاد
 در باب توضیحاتی که راجع به ماده پیشنهادی خودم
 دارم قبلاً لازم است که خاطر محترم آقایان را مسبوق
 کنم که توضیح هر چیزی باید متناسب با آن چیز باشد
 اگر يك کسی نقشه بکشد برای ساختن يك شهر بزرگی
 و بعد بخواهد در آن نقشه توضیحی بدهد هر قدر که آن شهر
 بزرگتر باشد توضیحش مفصل تر است ولی اگر يك کسی بخواهد
 يك نقشه بکشد برای يك دهی البته چون ده کوچک است توضیح
 آن هم باید کوچکتر و مختصر باشد، بنا بر این توضیح
 هر پیشنهادی باید متناسب با آن پیشنهاد باشد، اگر
 بنده پیشنهاد میکنم که اختیارات قانون گذاری از ماده
 واحده موضوع بشود این مسئله بقدری بزرگ است که
 شما که امروز میخواهید برای شاه دیگر اختیار جان
 و مال مردم را بيك وزارتخانه واگذار کنید که خودش
 قانون وضع کند و خودش اجرا کند بنده اگر در این
 موضوع پنج ساعت هم توضیح بدهم باز زیاد نیست ولی
 معذک بنده تا حدی که ممکن بوده است توضیحات خودم
 را باختصار نوشته ام و در این جا بعرض آقایان
 می رسانم امیدوارم که آقایان توضیحات بنده را قبول

بفرمایند و توجه بفرمایند و اگر هم نظریاتی دارند برود
 دلایل بنده بفرمایند بنده خودم یکی از اشخاصی هستم
 که با کمال انصاف و وجدان هر فرمایشی آقایان بفرمایند
 قبول میکنم و خدا میداند هیچ مقصودی ندارم غیر از
 اینکه میخواهم امروز که یک نفر ایرانی میخواهد
 اصلاحاتی در عدلیه بعمل بیاورد موفقیت نامه داشته باشد
 بموجب اصل ۲۷ متمم قانون اساسی قواء مملکت سه
 شعبه تجزیه میشود: قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه
 اجرائیه.
 وضع قانون که عبارت از قواعد و احکامی است که
 هیئت تقنینیه برای حفظ انتظامات جامعه تصویب میکند
 از وظایف قوه مقننه است و چون بموجب اصل ۲۸
 متمم قانون اساسی "قواء ثلاثه مزبوره همبند از یکدیگر
 ممتاز و متصل خواهد بود"
 لذا قوه تقنینیه نمیتواند انجام این وظیفه را بعهده یکی
 از قواء دیگر واگذارد که هم وضع قانون باشد و هم قانون
 تطبیق نماید
 و اختیاراتیکه مجلس شورای ملی در ادوار تقنینیه به
 کمیسیون عدلیه مجلس برای وضع قوانین داده است باین
 اصل مخالف نیست زیرا کمیسیون مزبوره جزء قوه تقنینیه
 و بعلاوه قوانینی که در دوره پنجم تصویب نموده جامع
 نظریات تمام نمایندگان بوده است و بنده مخصوصاً قوانین
 موقت عرض میکنم زیرا قانونی که واضعش بشر است
 دائمی نیست و کلمه موقت هیچ اثری از آثار قانون را
 تخفیف نمیدهد و اگر ما قائل شویم که یکی از قوای
 دیگر بتواند وظیفه مجلس را انجام دهد آید بهتر
 نیست که مجلس این حق را به تمام وزارتخانه ها داده
 و باز يك بودجه سنگینی را از دوش مردم بردارد؟
 بنده تصور میکنم همانطور که تصویب دوازدهم های موقتی
 ایجاد سوابقی نموده است که مجلس شورای ملی از انجام
 یکی از بزرگترین وظایف خود که نظارت کامله در جمع
 و خرج مملکتی است باز مانده همانطور هم تصویب این قبیل

مواد سبب می شود که تدریجاً تمام وزراء تحصیل اختیارات
 نموده و در انقضاء مدت برای ابقاء مقام و یا انجام کارهای
 نامتاه بدون هیچ دلیل و برهان درخواست تمدید نمایند
 و بالنتیجه وجود مجلس عاطل شده و آثار قوه تقنینیه فقط
 بودجه سنگینی باشد که بدوش ملت میگذارد، اینست عرایض
 بنده در خصوص ماده پیشنهادی که تصویب آن برخلاف
 قانون اساسی است ممکن است بگویند مخالف قانون
 مزبور نیست، در این صورت باید معلوم شود که تمدید
 مدت در صلاح مملکت هست یا نیست؟ آن ماده واحده
 همانطور که تصویب شده موقع اجراء رسیده و آن
 قوانین در ضوابطه آنقدر مفید است که صلاح مملکت تمدید
 مشه دیگر را بجزای می نماید، بنظر بنده تحقیقات در
 این موضوع را در جنبه ضروری است؛ ولی اینکه معلوم شود در
 دولت بر طبق ماده واحده مصوبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ بوده
 یا نه؟ و بعد قوانینی که وضع شده مفید است یا نیست؟
 تا هر تصمیمی که اتخاذ میشود از روی اطلاع باشد،
 بموجب ماده مزبوره که میگوید: "وزیر فعلی عدلیه
 مجاز است بوسیله کمیسیونهای مرکب از اشخاص بصیر
 موادی راجع به اصلاح اصول تشکیلات و محکمت و
 استخدام عدلیه تهیه و بموقع اجراء بگذارد تا پس از
 آزمایش بمدت شش ماه در عمل به مجلس شورای ملی
 پیشنهاد نماید" هر عملی که در عدلیه شده باید مطابق
 قوانین تشکیلات و استخدام قضات باشد تا اینکه بمورد
 آزمایش در آمده موقعی که قوانین مزبور به مجلس پیشنهاد
 میشوند نواقضشان اصلاح شود چون بنده از جریان
 عدلیه بی اطلاع نسبت به تشکیلات عرض میکنم ولی
 ماده اول قانون استخدام قضات را که میخواهم و از
 اینقرار است: "پس از تشکیلاتی که وزیر عدلیه بموجب
 اختیارات حاصله از ماده واحده مصوبه ۲۷ بهمن ماه
 ۱۳۰۵ میدهد احدی را نمیتوان به خدمت قضائی و پارک
 و ریاست دفتر محاکم پذیرفت مگر اینکه دارای شرایط ذیل باشند"
 بنده میدانم که ماده مزبوره اجرا شده است یا نه؟

اگر استخدام قضاة و اعضاء بارکه و دفاز محاکم برطبق قانون استخدام صورت گرفته جمله: پس از تشکیلاتی که وزیر عدلیه میدهد احدی را نمی توان پذیرفت مگر این که واجد شرایط مندرجه در ماده اول باشد مورد پیدا نمی کرد. و اگر قانون اجرا نشده یعنی اوصاف مدعویین بر طبق قانون استخدام جدید نیست چه شده قانونی که برای اصلاحات وضع شده اجرا نموده اند. آیا اشخاصی ... (صدای زنگ نایب رئیس)

نایب رئیس - آقای دکتر ماده ۲۳ را هم رعایت کنید.

دکتر مصدق - بنده عرض کردم توضیحات باید متناسب با موضوع باشد.

بعضی از نمایندگان - بگذارید صحبتشانرا بکنند.

نایب رئیس - نظامنامه مانع است ولی حالا که مجلس اجازه میدهد بفرمائید.

دکتر مصدق - آیا اشخاصی بشرایط معینه در ماده اول یافت نمی شد؟ و یا اینکه مقتضیات اینطور ایجاب می نمود که اعضاء قدیم بدون محاکمه خارج شوند و اشخاص دیگری قائم مقام آنها گردند.

از همه غریب تر ماده دوم است که می گوید: « اشخاصی که قبل از انحلال عدلیه مستخدم یا منتظر خدمت عدلیه بوده در تشکیلاتی که بموجب اختیارات حاصله از ماده واحده ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ داده میشود از طرف وزیر عدلیه دعوت بشغلی نشوند اعم از اینکه سابقاً امتحان داده یا از امتحان معاف بوده اند در آتیه نمی توانند بخدمت قضائی و بارکه پذیرفته شوند مگر با دادن امتحان مطابق پروگرامی که وزارت عدلیه تنظیم خواهد نمود - که این ماده بر خلاف اصل قانون گذاری است زیرا حقی را که اشخاص بر طبق قوانین سابق تحصیل نموده اند حقوق مکتسبه گویند و هیچ قانون گذاری منکر حقوق مکتسبه نمیشود و این حقوق را وقتی میتوان از کسی سلب کرد که در نتیجه محاکمه

تشخیص میدهند با کثرت و بارائی مخفی برای وکالت رسمی یا موقت انتخاب نمایند.

اعتراضات بنده در این ماده این است: اولاً بدون محاکمه و محکومیت حق هیچکس را نمیتوان ساقط کرد خصوصاً اینکه ساقط حق بواسطه رأی مخفی و رأی دهندگان خودشان داوطلب وکالت باشند ثانیاً همانطور که مقام قضی تأمین است و هیچ وزیری نباید او را منفضل کند و یا بدون رضایت شغل او را تغییر دهد همانطور هم مقام وکیل باید ثابت باشد تا اینکه بتواند از فضات متخلف شکایت نموده حقوق موکلین را حفظ نماید و کبلی را که هر سال یکمرتبه کمیسیون و در حقیقت رئیس استیضاف انتخاب کرد منزلزل است و تحت نفوذ واقع میشود لذا قادر نیست که شکایت نماید. ثالثاً در آخر هر سال که رأی مخفی بعهده از وکلا مساعدت نکرد باید موکلین کار های خود را نصفه کاره و ناقص از وکلای منفضل گرفتند تحویل وکلای منصوب نمایند.

از اینها غریب تر ماده ششم قانون استخدام قضات است که میگوید: اشخاصی که بموجب اختیارات حاصله از ماده واحده مورخه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ در تشکیلات جدید عدلیه دعوت شده و قبول خدمت نمایند (اعم از اینکه خدمتی داشته باشند یا خیر) دارای رتبه خواهند بود که در حکم آنها نوشته شده باشد و از کلیه حقوقی که قانون برای مستخدمین دولت منظور داشته استفاده نمایند که بنده تصور میکنم این ماده مخالف هرگونه اصلاح است و از تبصره ماده واحده ۲۷ بهمن ماه کاملاً سوء استفاده شده است زیرا مقصود قانونگذار این نبود که اشخاص بی سابقه وارد ادارات شوند و بدون طی مراحل اداری و تحصیل تجربه و اطلاعات سیر برقی نموده درجات عالیه قانون استخدام را حائز گردند بلکه مقصود این بوده است که وزیر عدلیه از اعضاء سایر ادارات که در عدلیه مفیدند بارتبه های خودشان دعوت نماید و از اشخاص تحصیل کرده هم که

سابقه ندارند تشویق شده بجای اینکه عضو مبتدی باشند درجات ابتدائی قانون استخدام را حائز گردند این طریقی که تبصره اجراء شده تنها نه باعث خرابی است زیرا تا اشخاص درجات ابتدائی قانون استخدام را طی نکنند در درجات عالیه نمیتوانند مفید باشند بلکه باعث بیس انهایی است که سالها خدمت میکنند و هنوز در درجات ابتدائی قانون استخدامند علاوه بنده شنیده ام که بنده این ماده جمعی دعوت و در احکام صادره درجاتشان معلوم و انتظار دارند که بعدها وارد عدلیه شوند حالا مفهوم این ماده همین است یا نیست عرض نمیکم ولی این را باید گفت که اگر مدعویین سابقه ندارند معلوم میشود ضرورت ندارد و الا پس از صدور حکم بلافاصله باید وارد شوند چنانچه سابقه دارند و رتبه هائی فوق رتبه های خودشان بآنها داده شده کدام عدل و انصاف حکم می کند که سوانق يك عده با موقع رتبه های زیاد حفظ شود و عده دیگر بغضب آقای وزیر مبتلا و حتی از عضویت هم خارج گردند آیا معنی اصلاح همین است؟

يك ماده دیگری هم که از منطق دور است ماده ۴۴ قانون استخدام است که میگوید « قضات و صاحب منصبان بارکه های هیچ حوزه باستثنای مرکز و حوزه های صلاحیه نباید از اهالی آن حوزه باشند » که اگر دلیل آن را میفرمودند اسباب تشکر بود.

این است اعتراضات بنده نسبت بچند ماده که عرض شد و چون سایر مواد با آزمایش نشود عامه عیب آنها را نمیدانند نسبت بآنها عرضی نمیکم و یقین دارم که هر بنائی که خشت اول آن کج گذارده شد بهمان حال میباشد. مجلس شورای ملی يك اختیاراتی باقای وزیر عدلیه داد خوب بود اول يك را برتی از عملیات چهار ماهه از انتخاب اشخاص و حقوقیکه تاکنون تصویب شده بمجلس میدادند و بعد با دلایل موجهه درخواست تمدید اختیارات می نمودند وزیر عدلیه - بنده گاهی فکر میکنم که اگر تمام

اشخاصی که می‌باشان این است باینکه نفر ایرانی بطوریکه آقای دکتر مصدق فرمودند مساعدت بکنند و کار بکنند و افعلاً کار آن کسی که میخواهد کار بکند خیلی خوب میشود ولی خوب این هم يك نظری است. ایشان در يك جلسه که بنده نبودم قبل از دستور و حالا هم در ضمن این پیشنهاد يك فرمایشاتی فرمودند که بنده در قسمت می‌کنم يك قسمت درست داخل در موضوعی که الان مطرح است بود. که اظهار میکردند اختیار قانون گذاری از طرف مجلس بيك شخصی داده میشود و داخل آن شدند يك قسمت هم بنده خیال می‌کنم وقت مذاکره اش در آن موقعی است که آن مواد و تشکیلات به مجلس بیاید و در این جا مطرح شود و بعد از ششماه اگر اعتراض دارند باید بگویند. و الا در وسط ششماه نباید بحث شود. ولی با وجود اینکه این مسئله موقعش حالا نیست و نباید بنده وارد در قضیه شوم عرض می‌کنم اینکه بنده برروز و دیروز خیلی مایل بودم همه صحبت ها بشود. برای این است که وقتی این جا يك صحبتی میشود و بنده هم این جا میتوانم حرفهایم را بزنم و بالاخره آن مردمی که صحبت آقای دکتر مصدق را می شنوند صحبت بنده را هم بشنوند لیکن اگر بنا باشد این جا گفته نشود بعضیها چنین تصور میکنند آقای دکتر مصدق در مجلس میخواهد چه مسائل بزرگی را بگوید و نکذاردند و این خیلی بد میشد و باید اظهارات طرفین درست شنیده شود. بعد قضاوت شود. عرض می‌کنم يك مسئله ایست که مخصوصاً بنده توجه آقایان را بطرف آن جلب می‌کنم و آن مسئله ایست که در اول اشاره کردم. اختیار قانون گذاری را آقای دکتر مصدق میفرمایند و بعضی از مواد قانون اساسی را هم خواندند و اگر هم نخوانده بودند باز ما یادمان بود بجهت اینکه این اندازه ها یادمان هست، حالا اگر مسئله ۱۸۷۵ فرانسه یادمان نباشد ولیکن دیگر قانون اساسی خودمان یادمان است میفرمایند که بموجب قانون اساسی حق قانون گذاری با مجلس است بنده گمان می‌کنم این مسئله اصلاً موضوع

بحث نیست، مجلس شورای ملی هم نمیتواند این حقش را بکسی واگذار کند. بنده عرض می‌کنم که نمیتواند و (نمیتواند) را هم خیلی قرص باید گفت زیرا اگر فرضاً هم آمد این کار را کرد نازه ترتیب اثر آن داده نمیشود، بجهت اینکه نمیتوانسته است انتقال بدهد و فرضاً هم يك رأی بدهد آن رأی هیچوجه نمیتواند صورت قانونی داشته باشد. اما بنده در این صحبت می‌کنم که آیا این کاری که شده است این اختیار قانون گذاری دادن است؟ اگر این باشد بنده هم باشما موافقم و هیچ حرفی ندارم. مسئله این است که قانون چه چیز است؟ قانون اساسی ایران تعریف کرده که يك موادی باید بیاید در این مجلس علنی و باحضور بکعبه از آقایان که بحد اصاب باشد باین ترتیب معینی درشور باینک رسوم و آدابی بگذرد. هر کدام از این تشریفات و آداب و رسوم عمل نشود آن قانون نیست، حالا اگر همه آقایان حاضر بعلاوه آقایان که امروز حاضر نیستند تشریف ببرند در خارج و در منزل یکی از آقایان و کلاً به نشینند و در يك مسئله هم بانفاق بدون تماشاچی و بدون ترتیبات مجلس خیلی خودمانی بيك قضیه رأی بدهند، آقای دکتر مصدق: بنده از جناب عالی میپرسم این قانون میشود؟ ...

بعضی از نمایندگان - خیر نمیشود.
وزیر عدلیه - پس هیچ فرق نمیکند قانون همان است که در این مجلس بگذرد. عرض می‌کنم که در این جا يك رویه مدنی است در مجلس شورای ملی از چند دوره قبل ایجاد شده و آن این است که لوایحی را که دولت می آورد قبل از اینکه مجلس رأی بدهد اجازه میدهد که در فلان کمیسیون یا فلان محل رسیدگی شود و بالاخره رأی میدهد و بدولت میگوید که این پیشنهادتان را بیک قدری در ضمن عمل تجربه کنید، این جنبه اصولی مسئله است. حالا هم اگر این نظر را بخواهیم اتخاذ کنیم از نقطه نظر علمی آقای دکتر مصدق باید این فکر را بکنند که ما وقتی این جا حرف میزنیم همه اش نباید این فکر را بکنیم که اشخاصی

که اهل فن نیستند در خارج خوششان بیاید یا بدشان بیاید، باید فکر اینرا هم بکنیم که وقتی آدم اسمش دکتر مصدق شد و آمد این جا يك مذاکره کرد يك چهار نفر آدم مطلع هم که در خارج می نشینند از نقطه نظر علمی مسئله را صحیح بدانند. آن چیزی را هم که میفرمایند اگر در این جا باشد باز يك قسمت از قانون است و گمان می‌کنم يك چیزی است که از آقا خیلی پذیرفته نیست که این نظر را داشته باشد ...

دکتر مصدق - تفکیک است

وزیر عدلیه - اینجا گفته میشود: آیا خودست بيك لوایحی را دولت همینطور بدون اینکه در عمل گذاشته شود بردارد بیاورد یا ترجمه کند یا خیر خودش ترتیب بدهد و بیاورد بمجلس یا اینکه خوب است قبلاً يك بحث هائی درش بشود و مخصوصاً در عمل بيك امتحاناتی بشود؟ مملکت ایران مدنی است که این رویه را اتخاذ کرده و بنده هم بسهم خودم صرف نظر از قضیه عدلیه عرض می‌کنم بشرط اینکه درش افراط نشود این ترتیب بد نیست. برای اینکه ما مسائلمان بطوری که بایستی حلاجی بشود نمیشود و منحصراً عمل مبدیاتی تشخیص بدهد که این لوایح خودست یا نه، پس بنا بر این بنده عقیده ام این است که مجلس شورای ملی نه حق انتقال حق قانون گذاری خودش را به کسی دارد و نه اینکه تا بحال این کار را کرده است و نه در این موردی هم که رأی داده است این تعبیر را میشود کرد. مجلس روی همان رویه و نظریه که الان عرض کردم آمده است بيك اختیاری داده است یعنی خواسته است بيك نظر مساعدی بيك شخصی نشان بدهد و آمده است گفته است که من بتو اختیار میدهم و تو برو بيك موادی را تهیه بکن و آنها را هم آزمایش بکن ششماه هم حرف میزنم و پس از شش ماه نتیجه عملی را به مجلس بیاور. مسئله این بوده است و بنده اینرا ابدأ مخالف قانون اساسی نمیدانم و تا بحال چندین مرتبه مجلس این کار را کرده است، دفعه آخرش هم همین است که راجع به موضوع عدلیه

کرد. حالا اگر آقایان اکثریت و کلاً میفرمایند که حقیقه راستش این است که ما این مسئله را بلد نبودیم و آقای دکتر مصدق این مسئله را حلاجی کردند و با تاریخ و مواد فرانسه آمدند اینجا به ما گفتند و ما یاد گرفتیم و گفتند من که يك آدم حقوق دانی هستم میگویم که ای اکثریت مجلس شما آن کاری را که کرده اید بر خلاف قانون اساسی بوده و نفهمیده اید، اگر اینطور است البته مجلس شورای ملی خودش میدانند ولی بنده شخصاً عقیده خودم را عرض می‌کنم و گمان نمی‌کنم بر خلاف قانون اساسی باشد. يك نکته دیگری را آقا در ضمن مذاکراتشان فرمودند نمیدانم این را بعد از روز پنجشنبه در نطق خودشان اضافه کردند یا روز پنجشنبه هم بود چون آقای مدرس بيك فرمایشی فرمودند که خیلی شبیه به این بود و شاید این از روی آن باشد: ابقای مقام ... مدرس - بنده هیچوقت در مقابل هو اظهار عقیده نمی‌کنم.

وزیر عدلیه - نمیدانم. رو بهمرفته واقعا این حرف خیلی خوب است که تا کسی می آید بيك کاری نکند بگویند تو میخواهی دوام بکنی. صرف نظر از اینکه هیچ اعتراضی بر هیچکس نمی شود کرد که سعی کند بمقام خودش باقی بماند اگر هم بيك کسی است که نظر خصوصی دارد اگر هم خواسته است بيك کاری بکند باید دوام داشته باشد و بالاخره این کار دوام لازم دارد. آقا که تصدیق میفرمایند عدلیه هر جائی (حالا عدلیه خودمان نه) که این کار را بخواهند درش کرده باشند اینها چیزی نیست که در فاصله دو ماه و سه ماه و چهار ماه بشود کرد. بنده که يك معجزه برای خودم قائل نشده بودم و آقایان هم هیچوقت این توقع را نداشتند پس این نشد که نامن بيك مسئله بگویم بگویند میخواهی دوام کنی! خیر بنده تا آن قدری که آقایان مساعدت بفرمایند و اوقاتشان تلخ نشود ...

مدرس - ما هیچ مساعدت نیستیم.

وزیر عدلیه - تا آن اندازه که اکثریت میل داشته باشند مبنای والیت هر وقت که بنده احساس کردم که دیگر میل ندارند بدون بنده هیچ با هم شمشکس داشته بشیم بیرون کارم ...

مدرس - هیچوقت نداشتند.
وزیر عدلیه - و البته آقایان هم نظریات عالی و فکر هی خوب و عقاید صحیح و خدماتی که تا بحال بمملکت کرده اند بعد از این هم خواهید کرد. اما راجع به اینکه موافق آن ماده عمل شده باشد؛ البته باید در آن موقع صحبتش را کرد آقا. برداشتن يك موادی را ذکر کردند و آنها را خواندند که با اینکه حالا موقع نیست بنده در بحثش وارد شوم ولی معهذا چون گفته شد باید جواب عرض کنم میفرمائید اشخاص را در ماده اول نوشته است که در آتیه هر کس داخل تشکیلات عدلیه میشود باید دارای فلان شرایط باشد. بنده برای تشکیل عدلیه مجبور بودم يك ترتیبی را برای امروز در نظر بگیرم و يك ترتیبی را هم برای آتیه یعنی ده سال یا نوزده سال بعد که بالاخره روز بروز البته مملکت ما دارای اشخاص با اطلاع بیشتر میشود و آن راجع به آتیه مملکت است اما امروز آدمم يك اشخاصی را بنا بر اختیاری که مجلس داد درس هم بحث شد صحبت شد، نعم از اینکه سابقه داشته یا نداشته تصریح شد که يك اشخاصی را استخدام کنم. بعد هم فکر کنیم که برای آتیه ما کاری بکنیم که در روی اشخاص بسته باشد مگر کسانی که از توی يك مدرسه بیرون آمده باشند و دارای معلومات معینی باشند. در اینجا اشاره کردند باینکه اعضای قدیم بدون محاکمه خارج شده اند آقامام بحث جنابعالی و بنده که بطور خصوصی صحبت کردم سر همین مسئله بود. اینکه میفرمائید من عقاید شمارا نشنیدم سر همین قضیه بود. شما عقیده آن این بود که باید يك محکمه درست کرد و اشخاص را محاکمه کرد و با محاکمه بیرون کرد بنده بجنابعالی عرض کردم باز هم عرض میکنم که این ترتیب عملی نبود و نتیجه خوب

هم نمیدانم دلیلش را میگویم. بولا وقتی يك شخصی سرکار نشسته اند و تمام وسائل کار و تمام نفوذ ها را دارند خیلی مشکل است از برای يك قضائی که بخواهد يك کاری را بکنند طوری بکنند که از دوسیه معلوم شود ...

دکتر مصدق - حالا هم ممکن است همین کار را بکنند.
وزیر عدلیه - اجازه بدهید بنده که در بین فرمایشات شما عرضی نکردم. جنابعالی چرا عصبانی میشوید. حالا آمدم فرضاً بنده میخواستم این کار را بکنم از کجا میتوانستم پیدا کنم اشخاصی را که ببینند که هم کسانی باشند که در باره آنها هیچ صحبتی نشود که هر رأیی که دادند آن رأی قاطع باشد جلو حرف مردم را که نمیشود گرفت. باید طوری باشد که هم خودشان حاضر باشند برای این کار و هم يك اشخاص قابل توجهی باشند بنده امروز عرض کردم حالا هم میخواهید اشاره کنم که آن اشخاص کی ها بودند. آقا شما خودتان حاضر نشدید بدلیل اینکه امروز هم عرض میکنم برای تشکیلات ولایات بیائید و بنده حاضر هستم آنچه را که تشخیص دادید شما و آقای مدرس و دو نفر دیگر راجع با اشخاص هر کسی را گفتید خوب نیست باید کنار گذاشت آنها را نمی آورم و هر کس را گفتید خوب است قبول میکنم معهذا حاضر نمیشوید ...

دکتر مصدق - اساس غلط است.
وزیر عدلیه - گفتگو سر اساس نیست. گفتگو سر این است که ما همه منتظر هستیم که يك کسی يك کاری را بکند بعد از اینکه کرد برویم اعتراض کنیم. این درد بی درمان این مملکت است و تا این فکر را نکشیم ممکن نیست مملکت ترقی بکند (بعضی از نمایندگان صحیح است) در این جا هر کس ملاحظه می کنند که من در خانه ام نشسته ام چرا بیایم يك کاری بکنم که پنجاه نفر صد نفر، دویست نفر با من مخالف بشوند

خوب حالا اگر ده هزار نفر باشند باید مثل من بگذری دیوانه مزاج باشد که داخل بشود. عملاً که این کار را نمیکنند پس بنابر این اگر میخواستیم نتیجه بگیریم امکان نداشت از آن راهی که شما سیر میکنید وارد شویم اگر عدلیه را منحل کردیم برای این بود که غیر از این طریق نمیتوانستیم يك کاری بکنیم شما حالا میآئید این قضیه را از سر میگیرید که بدون محاکمه عضه را خارج کرده اید. و حالا يك چیزی را هم عرض کنم که در ضمن مذاکره فرمودید که از جریان فعلی عدلیه اطلاعی ندارم سابقاً هم البته خیلی در جریانش نبودید بنده بشما اطمینان میدهم، قول میدهم اشخاصی در عدلیه بودند مخصوصاً در مرکز (در ولایات يك صورت دیگری داشت) ولی در مرکز اگر هزار کار هم که شما خبر دارید میفرستید توی محلیه هاشان نگاه کنید هیچ اثری از آنها نبود دوسیه ها با يك و درست ...

دکتر مصدق - حالا هم با يك میشود.
وزیر عدلیه - اجازه بدهید آقا. اجازه بدهید با این است که بنده باز بر میگردد البته بنده مخالف نیستم شما مخالف هستید بشاید بنده حرفی ندارم از اینکه يك نفر ده نفر بیست نفر مخالف باشند بنده عرض میکنم تا آرزوی که بنده اکثریت داشته باشم کار میکنم و البته مخالف بنده هر چه میخواهد بگوید ربطی بموضوع ندارد جنابعالی قضاوتتان برای بنده يك قضاوت قطعی نمیتواند باشد بنده بشما عقیده دارم دلیل بر این نیست که هر نظری دارید من قبول کنم این دلیل نمیشود. عرض کردم جنابعالی تشریف بیاورید رئیس تمیز بشوید خوب است ولی عقیده نداشتم که جنابعالی بیائید يك همچو کاری را بکنید زیرا يك آدمی هستید خیلی عصبان وسط کار هم اوقاتتان تلخ میشود بنده این حال را ندارم مرا باید کشت! اما برای ریاست تمیز چنانکه تقاضا کردم باز هم تقاضا میکنم پس تعیین اشخاص برای کارهای معینی است بنده اگر در آن قضیه بشما عقیده داشتم دلیل بر این نیست که هر چه

بگوئید گوش کنم آن رویه را بنده اصاحت ندانستم قبول کنم ولی این را که میفرمائید اشخاصی را بدون سابقه آورده اید. مقصود از آن ماده هم این نبود که بنده يك اشخاصی سابقه را بیاورم از رتبه يك آنجا شروع کنم مگر مقصود همچو چیزی بوده است که بنده و مجلس و اکثریت يك شتمه عظیمی کرده ایم که خوب شد آقا رسیدید و ما را از شتاب بیرون آوردید. خوب حالا فریده اشکار چه بود؟ اگر ما يك اشخاصی را خواستیم برای مقامات مهمی بیاوریم از نقطه نظر این بود که در آنچه ما آورده داریم داشته باشیم. آنوقت بنده يك کسی را که بعقیده ام خوب بود باید بگویم جنابعالی بیائید ثابت بشوید بعد ترقی خواهید کرد به رتبه دوسیه و آه واقعاً مقصود این بود! چه فرمایشی است آقا؟! اما راجع بولکلای عدلیه مسئله ولکلای عدلیه در غربت بنده یکی دو مرتبه صحبت شده آقای فیروز آبادی هم تقریباً بگذری عامدار این فکر بوده اند ولیکن بنده از خود آقا میپرسم وکیل در مسائل مربوط به عدلیه بنده ندرتاً قضا اگر اهمیت نداشته باشد و اگر واقعاً ظرف توجه نباشد خیال میکنید کار عدلیه پیش میرود؟! در این صولی که امروز معمول است ولکلای واقعی بالاخره کسانی هستند که نتیجه محاکمه را از روی آن رویه و پرو سادور نتیجه میگیرند و بدترتیبی که قاضی دلیل میکنند و اسناد میآورند و مذاکره میکنند میتوانند بالاخره قضی را بيك رائی برسانند. قاضی هر اطلاعی از قضیه داشته باشد و در خارج از دوسیه هر حرفی بزند البته ترتیب اثر بان نمیدهد. در اینصورت تصدیق بفرمائید که يك چنین اشخاصی چقدر باید در شان دقت شود. اینجا ما يك ترتیبی داریم وقتی که بنای يك کاری میشود اول هر کدام فرد يك نظری اظهار میکنیم بعد هم يك نظر اجتماعی گاهی پیدا میکنیم که غیر از آن نظر است که اغلب مواقع به بنده میگفتند و از ولایات مینوشتند هنوز هم مینویسند که آقا این مسئله ولکلای عدلیه را اهمیت بدهید اما

وقتی که میگوئیم این را عاجلاً میخواهیم در تحت یک
انتظامی دریاوریم از برای این است که امروز فعالیت
فکری بکنیم تا انشاء الله در آتیه مدرسه حقوق ما بیک
پروگرام بهتر و کاملتری شاگرد بیرون بدهد و در این
مملکت عده اشخاصی که حقوق میدانند و تحصیلات حقوق
کرده اند زیاد بشود و در آتیه این کار منحصر بآنها
بشود ولی برای اینکه از حالا تا آن روزی که مدرسه حقوق
یک مقدار کافی شاگرد داشته باشد چکار باید کرد؟
حالا ما میائیم یک ترتیب درست میکنیم و میگوئیم
درب را از امروز بعد ببندیم و میگوئیم خوب از آروز
تا بحال هر چه شده بسیار خوب این آقایان هم که آمده
اند سرکار بیک ترتیبی نظر بسواقتشان بگذاریم کار بکنند
بعد در آتیه منحصر شود اشخاص تحصیل کرده . بعد
جنابعالی میآئید میفرمائید که اگر وکلایا بخواهید انتخاب
کنید و خود وکلا هم در آنجا نظر داشته باشند اعمال
غرض میشود . ممکن است . خیلی هم ممکن است ولی
ایشان وقتی میخواهند مسائل را حل کنند نباید بعضی
مواردش را نگاه کنند بطور کلی بایستی نگاه کرد که آیا بایستی
این درب را باز گذاشت که هر کس میخواهد بیاید
وکالت کند؟ اگر آقا وقت داشته باشید بنشینید بنده
دلم میخواهد بگذردی صرف وقت بکنید و به بینید که
در همین عدلیه (حالا ولایات را کنار بگذاریم که
بگذردی خراب شده است) در همین مرکز کار چقدر
اشخاص بواسطه عدم اطلاع وکیل خراب شده است
بواسطه این بوده است که وکیل سند را برده بطرف
داده . بواسطه این بوده است که با هم تباہی
کرده اند...

دکتر مصدق - محاکمه کنند .

وزیر عدلیه - اینها یک مسائل کوچکی نیست و
مسائلی نیست که بقدری ریز و خورد باشد که شما متوجه
نباشید باید چشم را باز کرد و دید ، حالا وقتی که
خواستیم این کار را بکنیم این البته برخلاف مصالح یک

عده ایست و آنها یک کارهائی میکنند ، یک گفتگوهای
میکند ، جنابعالی هم یک چیزی را میشنوید و آن چیزی
را هم که شنیده اید یک چیز ثبت شده میدانید و میآئید
اینجا میگوئید ' عرض میکنم در تمام مسائلی که میفرمائید
راجع بوقلائی عدلیه بر فرض که بقول شما بعضی هاشان
هم یک اعمال غرضی نسبت به بعضی ها بکنند بنده این را
نیتوانم تصدیق نکنم ، اگر یک اشتباهی شده باشد
خیلی کم است باید راه حل پیدا کرد و ترتیبی کرد که
اگر کسی شکایتی داشته باشد یک مرجعی برایش باشد
که برود بن مرجع حرفش را بزند اما این غرض آن است
که شما میگوئید آری برای اینکه وکیل رسمیت داشته
باشد چه باید کرد؟ باید جلوش را ول کرد؟ ...

دکتر مصدق - محاکمه

وزیر عدلیه - می فرمائید محاکمه . آقا : مسئله محاکمه
که شما میفرمائید کار سهل و ساده نیست . بسا میشود
شما اطمینان دارید ، قطع دارید ، یقین دارید این قاضی
یک کسی است که در فلان قضیه و فلان مورد و فلان
محاکمه پول گرفته است ولی نمیتوانید این را ثابت کنید
باز میفرمائید محاکمه . باز بالاخره این دو رویه است
یکی رویه با محاکمه که بدبختانه آنوقتی که مالیه تشریف
آوردید فرصت ندادند به بینند چه میکنند . حالا هم به
من فرصت ندهید که یک روزی بنده هم مثل شما بتوانم
بگویم ، خواستم بکنم نگذاشتید ، عرض کنم در هر حال
بنده تصور میکنم که چون ایشان پیشنهادشان را زیاد
توضیح ندادند بنده هم بگذردی زیاد حرف میزنم ...

دکتر مصدق - تشکر میکنم .

وزیر عدلیه - خلاصه این شد که اختیار قانون گذاری را مجلس
نه به بنده میخواهد بدهد و نه با بحال بکسی داده است . گفتگو
این است که لوایحی را باید در عمل گذاشت و امتحان کرد با
نه ؟ اگر غیر از این باشد آقا کار بنده بیش نمیرود
حالا شما طور دیگر تصور میکنید خودتان میدانید ، بنده
عرض میکنم یک کسی را که شما میگوئید به او

مساعدت میکنید ، مساعدت این نیست که فکر خودتان را با او
تحمیل کنید باید بگذارید تا آخر آن شخص فکر خودش
را اجرا کند . اگر در هر قدم شما یک نقشه جلوی
بایش بگذارید فکر او عملی نمیشود .

بنده اینطور صلاح میدانم از برای اینکه کار زودتر
بگذرد باید در یکی از کمیسیونها که تعجب میکنم خود
آقایان عضو بودند ...

دکتر مصدق - بنده قبول نکردم .

وزیر عدلیه - اگر قبول نکردید چرا تشریف آوردید
آنجائی که بر خلاف قانون اساسی کار میکنند ؟ ...

دکتر مصدق - بنده قبول نکرده از آقای مشیرالدوله
تحقیق کنید . فقط آمدم آنجا حرف بزنم

(خنده نمایندگان)

وزیر عدلیه - بنده خیلی اسباب تأسف یک مملکت میدانم که یک
نفر شخص محترمی از یک وزارتخانه بنویسند که آقا : در یک
کمیسیون برای یک کار معینی دعوت می شود تشریف بیاورید ،
آقا وقت خودشان را تلف میکنند می آیند آنجا آنوقت در یک
مجلس رسمی میگویند که من آمدم آنجا حرف بزنم ...
دکتر مصدق - برای اینکه مجلس پیشنهاد شود .

وزیر عدلیه - خیر آقا همچو قراری نداشتیم . بلی
قرار بود آن مواد را بمجلس پیشنهاد بکنیم . اما کی ؟

بعد از ششاه ، حالا هم میگویم قرار است ولی بعد از
آنکه بموقع آزمایش و عمل گذاریم آنوقت بمجلس میآوریم
و مجلس هم در اینخصوص قضاوت میکند .

نایب رئیس - رأی میگیریم ...

یک نفر از نمایندگان - دومرتبه قرائت شود .

(پیشنهاد آقای دکتر مصدق بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که اختیار قانون گذاری که
وظیفه مجلس است از اختیارات موضوع شود .

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد ...

بعضی از نمایندگان (با همهمه) - نمی شود رأی
گرفت

نایب رئیس - در نظامنامه مانعی نیست که بشود
بین پیشنهاد رأی گرفت . آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده موافق اصول پارلمانی این
پیشنهاد قبل آن نیست که اصلاً موضوع رأی واقع شود
زیرا مجلس شورای ملی اختیاری قبلاً به وزیر عدلیه
دائر به اینکه وضع قانونی نکند نداده است ، یعنی وظیفه
مجلس شورای ملی را انجام بکند یا اینکه حق قانون
گذاری به وزیر عدلیه منتقل شده باشد . مجلس چنین لایحه
را تصویب نکرده است بلکه تصویب کرده است که
مصوبت یک کمیسیونی را که بمنزله یک لایحه قانونی
قابل پیشنهاد به مجلس است برای اینکه در آزمایش
نواقض رفع شود موقتاً به موقع اجرا بگذارد و این را
نمی توان عنوان انتقال حق قانون گذاری داد . منت
بر این نمی شود در این پیشنهاد رأی گرفت
نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده هم همین را میخواستم عرض کنم

نایب رئیس - موافقت آقا ؟

عراقی - موافقم بصحبت آقای شریعت زاده

بعضی از نمایندگان - در این موضوع نمیشود صحبت
کرد .

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بهار قرائت میشود .
(بمضمون آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده واحده بطریق ذیل تبدیل شود .
ماده واحده - مجلس بوزیر عدلیه اختیار میدهد که
در مدت چهار ماه باشور کمیسیونی مرکب از پنج نفر که
در مجلس انتخاب خواهد شد تشکیلات مرکز را تحت
نجدید نظر قرار داده و تشکیل ولایات را نیز خاتمه
دهند .

نایب رئیس - آقای بهار

بهار - بنده یاد داشتهای مفصلی تهیه دیده بودم راجع
به اشتباهانی که در تشکیلات جدید عدلیه شده است ولی

بعد از آنکه محسوس شد که آقای وزیر محترم عدلیه در مقابل اعتراضات ارقومی یا اعتراضات منطقی یا بالاخره اعتراضات حقه‌قی بشوخی جواب میدهند و بمناظران شخصی شبیه می‌کنند مدافعات عمومی و کلی را لذا بنده یاد داشته‌ام خود را برای اظهار نیوردم و درجیب خود پنهان کردم. خیلی متأسفم از اینکه غالب مسائلی که اینها جزو اصول مساعده هیئت اجتماعی مشروطیت بوده است بتدریج در نتیجه احیایات شخصی وارد مملکت میشود از آن جمله يك اصل اساسی است که هیچوقت وزیر نباید با يك وکیل خواه در جزه اکثریت باشد خواه در عداد اقلیت طرفیت شخصی بکنند و بالاخره آن اعتراضات که حق داده اند وکلا با هم بکنند وزیر عهده دار آن قبیل تعارضات بشود این هیچ سابقه نداشته است. این از اخلاق پارلمانی هم دور است. بنده بقای داور فوق‌العده ارادت دارم، خلاص دارم، همیشه هم با ایشان دوست بودم ولی بی اندازه در جلسه گذشتند و این جلسه متأثر شدم که ایشان سمت مهمی را که سمت وزارت است و باید بالاخره مخلوط با ممانت باشد از دست میدهند و مثل يك نفر وکیل مدافع عصبانی طرف میشوند منتهی بجای اینکه با يك قیافه عصبانی طرف شوند با يك قیافه مضحکه طرف میشوند با وکلا و این فوق‌العاده اسباب تأسف است باید ایشان جواب ایشان متین و در روی آن موضوعاتی باشد که با ایشان اعتراض شده است. اگر هم دید حلالی کرد یا مغالطه کرد یا بالاخره بیانات مضحکه آمیزی کرد باید بعقیده بنده بعهدۀ مدافعین ایشان واگذار شود باز بر عکس می‌بینم مدافعین ایشان خیلی با ممانت صحبت می‌کنند و خودشان در مدافعات داخل در شخصیات میشوند لهذا بنده یاد داشته‌ام آقای دکتر مصدق فرمودند و بيش از آنها بنده یاد داشت داشتم که من باب تذکر می‌خواستم با آقای وزیر عدلیه و هوا داران ایشان عرض کنم آنها را از نرس اینکه مبادا به بنده هم از این قبیل تعارضات بشود فعلاً مسکوت عنه

گذاشتم اتفاقاً انحلال عدلیه هم یکی از همان قضایای است که مقرون، همان تأسف اولیه بنده است زیرا دیده میشود که هر قدر آن عمل مشحون بمصلح و هر قدر منجر با اصلاحات عمده بشود تکافوء با آن يك ضرری که از شکل شروع بکار بضایات های مشروطیت وارد شده است نخواهد کرد بالاخره يك وزیر که هنوز بمجلس شورای ملی معرفی نشده است و يك مملکتی که انقلاب درش نیست مملکتی که اصول تکامل و قانون گذاری و اصول عقاید دارد راه می‌برد این وزیر محترم قبل از اینکه بمجلس شورای ملی معرفی بشوند يك دفعه می‌آیند و يك وزارت خانه را که زندگانی يك ماتی در دست او است بکلی منحل می‌کنند. شب خواب می‌بینند و فردا عدلیه را منحل می‌کنند. در انحلال عدلیه مفاسدی که مترتب میشود آنها را جلوی چشم نمی‌آورند استقلال قطعی و حتمی قضات را که یکی از امور روشن و بدیهی است و هر طفلی میداند که قضی نامتکی بيك مبادی ثابتی نباشد نمیتواند قضاوت بکند این استقلال را ازین میبرند. در نتیجه آن انحلال بدوی و بی سابقه قانون استخدام را که پس از سالها گفت و شنود پس از آنکه برخلاف عقیده آقای یاسائی جنجال احزاب در این مملکت بجائی رسید که بالاخره کمیته تشکیل دادند و بالاخره اشخاصی را زدند و در توی خیابان کشتند برای اینکه بمقامات اداری دخل و تصرف نشود بعد از این محسوس شدن بدبختی های اخلاقی که در نتیجه نبودن قانون استخدام در این مملکت محسوس شد بعد از آنکه ما می‌دیدیم که هر سه ماه يك مرتبه يك وزیر می‌آید و تمام اعوان و انصار و بستگان خودش را داخل در يك وزارتخانه می‌کند و تمام مستخدمین نجیب باشرف را بیرون میریزد بعد از آنکه دیده شد که مستخدمین ادارات بواسطه عدم استحکام مبانی اداری خودشان متشبث به هر رذیله و فضیحتی میشوند آمدیم در دوره چهارم يك قانون استخدامی نوشتمیم. بالاخره این قانون استخدام

زائیده شده احتیاجات هیجده ساله مشروطیت بود. قانون استخدام برخلاف انحلال عدلیه وسایر قضایای که یکی دو ماه است دیده میشود از روی احساسات نبود. زائیده شده يك خیالات مخصوصی که مربوط باشد بچهار پنج نفر و نتیجه او هم منجر بشود بمقاصد شخصی نبود بلکه قانونی استفاده نتیجه احتیاجات و زائیده شده احتیاجات مبرمه هیجده سال مشروطیت بود و مربوط به تقلید هم نبود زیرا در نوشتن قانون استخدام فوق‌العاده احتیاجات مملکت و آن حالات اجتماعی مخصوصه مملکتی در نظر گرفته شد و این قانون نوشته شد. اگر این قانون بد بود باید آنرا بیورند در مجلس اصلاح کنند این انحلال ایمنی و این خوانی که وزیر محترم دیدند ضرر دوش قضیه قانون استخدام بود. قانون استخدام را این عمل بیاد داد این عمل قانون استخدام را محو کرد ولو بقول آقای یاسائی برای خطر اینکه در آینده احزاب ایجاد شود و احزاب به طمع استخدام در ادارات دولتی دور هم جمع شوند و احزاب ایجاد شود بنده ببنار هستم از آن احزانی که به طمع نوکری دولت می‌آیند و دور هم جمع میشوند بر فرض اینکه قانون استخدام مضر هم باشد نباید از این راه قانون را لغو کرد زیرا این انحلال يك مبرزه بود بمجلس چهارم و پنجم و ششم که قانون استخدام را نوشته بودند و آن را به رسمیت قبول کرده بودند. این هم ضرر دوش بود آقای وزیر عدلیه در ضمن نطقشان می‌فرمایند که مقصود ما این است که در آتیۀ درب عدلیه بسته شود و فقط باز باشد بروی محصلین حقوق. بنده از ایشان سؤال می‌کنم بعد از آنکه ایشان این ضایات ثابت را یعنی بالاخره استقلال يك وزارتخانه را که وجود داشته است و وزیر داشته است ادارات داشته است این استقلال را ازین بردند از کجا مطمئن هستند ایشان که بر فرض يك عدلیه صحیحی بعقیده خودشان تشکیل بدهند و مملکت هم بعقیده خودشان شروع بکستان شدن بکنند آنوقت يك وزیر دیگری

نیاید و مثل ایشان يك خواب دیگری نه ببنند !! از کجا مطمئن میشوند که قلاً این ضایاتهای اجتماعی و این اصول مساعده که بالاخره اسباب زندگی و معاشرت و رفت و آمد و قانون گذاری و انتخابت و نوکری دولت و تمه اینهایی که در طرز زندگانی ما هست این اصول را که امروز دارند یکی یکی بر هم می‌زنند از روی احساسات از کجا مطمئن دارند. باینکه باقی اصول را در آینده دیگران بپزند و هم بزنند !! بنده ثابت میکنم یکی از اصولی را که انحلال عدلیه بین طریق هم زده است اصل آزادی بوده است. آزادی فکر و عقیده را هم آقای وزیر عدلیه که باید حامی آزادی فکر و عقیده باشند بهم زدند و کشتند. شيروانی - اینطور نیست. بهار - قضیه سانسور کردن اظهارات مخالفین و آن جوابهایی که به آقای دکتر مصدق دادند بالاخره مطلب را معلوم و ثابت میکنند. آقای وزیر عدلیه می‌فرمایند که چیز غریبی است يك کسی می‌آید و شروع بيك کاری میکند دیگران می‌نشینند و تنقید میکنند و این را با يك تعجبی بیان کردند و بالاخره فرمودند تا ما این فکر را نکشیم کارها اصلاح نمیشود. یعنی چه !! شيروانی - صحیح است بهار - در مملکت مشروطه و بالاخره در يك مملکتی که می‌خواهد بر طبق اصول جدیدۀ عالم تمدن زندگانی کند، در مملکتی که جذبعالی در هر يك از نقطه های نان ده دفعه بوکلانی که سانشان از شد زیاد تراست حمله میکنند و خود نارا متجدد می‌خوانند در این مملکت چطور پس باید زندگانی کرد؟! اگر يك کسی وزیر شده باید بروند و وزیر عدلیه بشوند؟ باید به نشینند و ایشان بروند کارشان را بکنند اگر خوب کار کردند آنوقت از ایشان باید حمایت کرد و اگر هم کسی در کارشان اشتباهاتی دید باید بایشان بگوید و متذکر بشود. پس چرا این فکر را باید کشت آقای شيروانی ؟ !

شیراوتی - حالا می‌آیم و عرض می‌کنم
 بهار - و از بین برد؟ چرا باید مدبران جرابرد را
 رفت و دید و خواهش کرد که این نطق را چاپ نکنند؟
 این اصولی است که بالاخره تجدید و تمدن در این مملکت
 آورده است؟ بنده نمی‌دانم. بالاخره در این قسمت‌ها
 وارد نمی‌شوم زیرا میل هم ندارم که این قضایا تکرار شود
 خیلی هم بنده با آقای وزیر عدلیه ارادت دارم و فوق‌العاده
 هم میل دارم که عدلیه مطابق آمال شان اصلاح شود
 اگر نتیجه معکوس حاصل نشود. این پیشنهاد بنده
 بالاخره راجع به پیشرفت کار خود آقای وزیر عدلیه
 است. بنده در این شهر می‌بینم و محسوس شد در آن
 روز اولی که ایشان آن اقدام را کردند چون مربوط
 با احساسات بود و مربوط بیک گفتگوهای بود که از
 چند سال قبل بین طرف راجع بخزانی عدلیه پیش آمده
 بود افکار عمومی و جرائد ملی همه با ایشان موافق
 بودند. آن بود که در آن روز سنگینی بار ایشان
 محسوس نشد لکن امروز دیده می‌شود همه آقایان
 هم شاید می‌فرمایند که افکار عمومی، افکار عمومی
 که بالاخره قاعده زندگی همه ماها است و هر قدر هم
 نخواهیم منکر بشویم که چرا افکار عمومی نمی‌فهمند و
 عامی هستند و باید توی سرشان زد برعکس باید اقرار
 کرد که افکار عمومی هست و احساسات آنها فوق‌العاده
 در قضایه مؤثر است و بیک شعور مخفی در ملت هست که
 در تمام قضایا قضاوت می‌کند و قضایا را با خون سردی
 تلقی می‌کند در اول هم چیزی نمی‌گوید و وقتی هم که
 دید معایب آن بروز کرد انتقاد می‌کند و وقتی هم
 انتقاد کرد این انتقاد و این مقاومت مخفی بالاخره کوه
 را هم از جلو خواهد کند. پس ما اگر نخواهیم
 اصلاحاتی بکنیم باید سعی کنیم که این مقاومت مخفی
 افکار عمومی را متوجه خودمان بکنیم و طرفدار خودمان
 قرار بدهیم. امروز بنده می‌بینم مردم این مملکت
 (طهران را که می‌بینم سایر جاهارا خبر ندارم ولی البته

مرکز نمونه سایر ایالات و ولایات است) دارند انتقاد
 می‌کنند نسبت بهین قضیه و اصول اعتراضات و افکار
 عمومی روی این است که بسیار خوب عدلیه را منحل
 کردید خوانی دیدند و منحل شد و مجلس شورای ملی
 هم نظر باینکه برای دفعه اول میخواست امتحان بکند
 و به بینه یک نفر جوان جوانی نام میتواند یک کار
 بزرگی را بکند یا نه ساکت شد و صبر کرد و اجازه داد
 اما خوب در عمل چرا باید قهرمان عدلیه ما، مصلح
 عدلیه ما بایستی اراده شخصی خودش را قائم مقام
 قوانین و موضوعات و اصول مقرر مملکتی قرار بدهد؟
 چرا دید یک نفر مدافع وزیر محترم عدلیه رفیق محترم
 بنده آقای شیراوتی و همچنین آقای باستانی بیابند در پشت تریبون
 و بیک عده اشخاصی که سالها خدمت کرده اند و در میان
 آنها البته خوب هم بوده غیر خوب هم بوده بدون محاکمه
 بگویند اینها همه دزدند. چرا؟ نباید یک وکیل بدون
 محاکمه بدون اینکه در یک محکمه ثابت شده باشد خیانت
 یا دزدی یا عدم صلاحیت یک جمع یا یک قومی یک دفعه
 از پشت تریبون یک کلمه دزد بیا آنها برتاب کند. برای
 اینکه این قضایا تکرار و تجدید نشود، حالا برای اینکه
 بدون جهت بیک جمع کثیری از هموطنان فاضل خودمان
 که بیست سال است بیک وزارتخانه که در این مملکت
 سابقه نداشته است سابقه داده اند و بالاخره ورزش
 کرده اند و فکر و هوش بخرج داده اند و وزرای فاضل
 در آنجا زحمات کشیده اند و بیک وزارتخانه مهمی شده
 است و چندین دوره مجلس قانون برایش وضع کرده اند
 و بیک وزارتخانه شده بود که مکرر در پشت همین تریبون
 وزرای عدلیه می‌گفتند وزارت عدلیه یک معایب دارد
 ولی وقتی که آن را در جلوی سایر وزارتخانهها بگذاریم
 اقرار بکنیم که از همه قانونی تر و منظم تر و مرتب تر است
 حالا برای اینکه بیک همچو وزارتخانه که اعضای آن هم
 در مجلس هستند و هم در میان ملت هستند و اغلب از
 فضلا و علما و مردمان دانشمند هستند یک دفعه کلمه

دزد گفته نشود و این کلمه بی محابا و بی یک یک
 مرتبه به طرف آنها برتاب نشود ما آمدم و این پیشنهاد
 را دادیم و گفتیم که تا امروز هر چه شده است شده است
 از این به بعد آقای وزیر عدلیه بیابند با ما موافقت کنند
 برای اینکه جلوگیری شود از انتقادات مردم. برای
 تشفی آن اعضاء صالح و خاده عدلیه که خودشان هم اقرار
 می‌کنند که در عدلیه وجود داشتند و برای اینکه
 مذاکراتی برخلاف اراده واحد وزیر عدلیه زیادتر از این
 در این پیشنهاد نشود و ایشان از این مقصود مقدس شان
 (بقول خودشان) باز نمانند بیابند و موافقت کنند
 و همین امروز آقایان رأی بدهند یک کمیسیون پنج نفری
 از خود مجلس از دوستان خودشان هر کس را خودشان
 کانیدا می‌کنند (چون اکثریت دارند) هر کس را
 که اکثریت میل دارد انتخاب کنند خودشان هم بشوند
 ششم آقای معاونشان هم بشوند هفتم بنشینند و کار کنند
 ماه دیگر کاری بیا آنها نداریم که هر روز تقیض کنیم
 یک کمیسیون از مجلس شورای ملی به نشینند و اموری را
 که در آینده میخواهند بکنند این اشخاص بکنند و اگر
 هم مورد انتقاد واقع میشوند این انتقاد توزیع بشود بین
 این عده و نوبت محرومی او متوجه وزیر عدلیه تنها نشود
 زیرا خطرناک است. پس بهتر این است که توزیع بشود
 نادر این بین آقایان موفق بشوند اصلاحاتی را که در نظر
 دارند از پیش ببرند و اگر چنانچه این پیشنهاد پذیرفته
 نشود باید یک دلائلی در مقابل این اظهارات گفته شود
 و آن دلائل هم نباید مخفی باشد و اینطور نباشد
 که بگویند چون آقای دکتر مصدق نیامده اند رئیس
 تمیز بشوند پس هر چه ایشان میگویند نباید گوش داد.
 خبر نباید این جور بشود. باید حقیقتاً ایشان بما
 بفهماند که بچه مناسبت اراده شخصی ایشان در محو سابقه
 اشخاص در خوب و بد کردن قضات در بر هم زدن قانون
 استخدام در جلب کردن اشخاص نالایق و غیر صالح
 در نوشتن قوانینی که هر ماده اش با ماده دیگر متناقض

است و بالاخره تمام اینها با قوانین و اصول متناقض
 دارد در تمام اینها چرا باید فقط اراده شخصی ایشان
 حاکم باشد؟ ایشان چه علاقه بینکار دارند؟ چه بهره
 از این کار میبرند؟ جز اینکه انتقادات متوجه شخص
 ایشان بشود دیگر چه فائده ایشان از این اقدامات فردی
 و شخصی و اراده کیف ما بشائی و این که بی معنی
 (من) میبرند از این کلمه بی معنی (من) از این لفظ
 چه استفاده ایشان می‌کنند؟ بالاخره گفتن این لفظ
 (من) در یک موقعی است که ملت این کلمه را با اقتدارانی
 که دارد بخودش نسبت بدهد ولی یک مملکتی که وضعش
 معلوم است همه برایشان هستند و تناسب کار هایش هم
 با هم معلوم است باید مراعات کرد و آقای وزیر عدلیه نگوید
 من همه اینکارها را می‌کنم. این کار خودش منبع
 پیشرفت مقاصد این من میشود این گفتن (من) مقاصد
 آقای وزیر عدلیه را فلج خواهد کرد. ایشان آمدند
 و یک کودتائی کردند در عدلیه و یک قدمهائی هم
 امروز داشتند. حالا از این ساعت بیابند موافقت بفرمایند
 و در تحت نظر یک کمیسیون (بی جهت نجسید که آقای دکتر صدق
 و آقای مدرس شما بیابید و داخل در کمیسیون بشوید)
 موافقت بفرمایند این کمیسیون از مجلس انتخاب بشود و
 این کار را انجام بدهند و بی جهت آقای مدرس و دکتر
 مصدق را نگویند که داخل در کمیسیون بشوید.

وزیر مالیه - چرا؟

بهار - چرا ندارد برای اینکه یک وزیرى شب
 خواب دیده است یک کاری کرده است بدون اطلاع
 بنده و شما (یاد داشتهای شخصی شما را هم بنده شنیده
 که بآب وزیر مرقوم فرموده بودید حالا نمی‌خواهم
 این جا بگویم) آنوقت بچه دلیل بنده و شما بیابیم مسئول
 عملیات ایشان بشویم؟ ایشان یک کار هائی کرده اند
 خودشان را در معرض هجوم اعتراضات قرار داده اند
 و یک بنائى را خراب کرده اند و بنای جدیدی هم جایش
 نگذاشته اند حالا لا اقل احساسات عمومی را هم خودشان

تخفیف بدهند پس حالا که این قضیه و حدیث مطلب و تندی مطالب متوجه شد میشود ما دیگر چرا شریک بشویم آقای دکتر مصدق و مدرس و ککیل هستند و وظیفه وکالت شان را باید در مجلس شورای ملی عمل کنند البته هر وقت مجلس شورای ملی این اشخاص را انتخاب کرده اند از ایشان استعفا میگویم که تشریف ببرند اما حالا ایشان ما را دعوت کردند که برویم و با ایشان به نشینیم اینکار صحیح نیست. شما هم اگر جای آقای مدرس بودید قبول نمی فرمودید بالاخره بنده این استعفا را دارم که آقایان موافقین آقای وزیر عدلیه این قضیه را دقت بشویند سعی کنند همانطوریکه در جلسه سابق گفتیم حالا هم تکرار میکنم که قضایا عقلا نه از پیش برود و اگر این مراعات ها نشود و اگر مثل جلسه قبل نخواهند بگذارند مخالفین حرفهایشان را زنند و بالاخره بکفایت مذاکرات رای بدهند...

آقا سید یعقوب - دیگر دارید بی لطفی می کنید حالا که دارید حرفتان را می زنید.

بهار - که ما مجبور بشویم در ضمن پیشنهاد حرف زنییم برای اینکه این مسائل با ملاحظت پیش برود باید همراهی کنند با این پیشنهاد. چون این پیشنهاد بالاخره در تحت نظر خود آقای وزیر عدلیه و اکثریت مجلس است و بالاخره نظر خود ایشان است و الا باز آن کلمه آخری را عرض می کنم که بنائمی که با احساسات درست بشود با احساسات هم خراب خواهد شد این اصل مسلمی است و هیچ شك و شبهه هم درش نیست مگر اینکه مخرب برود و آنوقت معمار و مهندس بیاید و خرابیهای او را اصلاح کند و الا اگر بنسا باشد مخرب بیاید بگوید خیر همانطور که خودم خراب کردم خودم هم باید اصلاح کنم تاریخ بمانشان داده است که این طرز پیشرفت نخواهد کرد و تا آخر دوام نخواهد نمود.

نایب رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بشهادت نماینده محترم بنده همیشه در زندگانی ما شاید در این هفت هشت ده سال که با ایشان ارتباط قلمی و قدمی داشته ام همیشه سعی کرده ام که رعایت ادب و شیخوخیت ایشان را در همکاری بکنم...

بهار - متشکرم.
شیروانی - البته امروز هم آن رویه معمولی خودم را تعقیب خواهم کرد. بعد داشتههایی را که آقای بهار اشاره فرمودند خیلی مسرور هستیم که فرمودند در جیب شن گذاشتند و نخواندند ولی بنده تصور می کنم چیزی دیگر گفته مانده است. هم امروز دیدیم و هم دیشب خواندیم. البته خوب اشخاص حق دارند در زندگانی مبارزه بکنند و حیثیات خودشان را حفظ بکنند. این مبارزات همیشه در تمام طبقات و در تمام مملکت هست يك ضبقه میآید جلو آن یکی میرود عقب حربه ها هم مختلف است. یکی حربه عمل در دست میگیرد. یکی قلم در دست میگیرد و جلو میرود. یکی به فحش نشست میکند. بالاخره تشبثات هم انواع و اقسام دارد. بنده تقدیس میکنم اشخاصی را که با مبارزه افکار خودش را از پیش میریزند و همیشه هم مایل هستم که هر طبقه مبارزه افکار خودش را از پیش ببرد. يك اظهار لطفی ایشان به آقای وزیر عدلیه فرمودند که با ایشان دوست هستند و از اول تا آخر هفت هشت جا اسم بردند دوستی شان را. بلی. دوستی های آقای ملک ما ماها همیشه این جورها بوده است که ما مجبور هستیم همیشه در مقابل ایشان بخنندیم چاره دیگر نداریم. در هر صورت در عین حالی که ایشان اظهار دوستی می کردند و کلا را تحریک می فرمودند بر علیه وزیر عدلیه که چه معنی دارد يك نفر وزیر اینطور حرف بزند و تعرض بکنند؟ در صورتیکه تصور می کنم در بین تمام وزرائی که آقای ملک در زندگانی شان توی این مجلس دیده اند هیچ وزیری بخون سردی ایشان و بعتسانت و ادب ایشان پشت این زبیرون حرف نزده است و در عین اظهار لطفی که آقای

دور فرمودند خواستند يك رك حساسی را پیدا کنند و سبزی را تحریک کنند. بنا بر این این دوستی آقای ملک گناهی برای ما گران نمیشود. حقیقه این قضیه باید حل بشود برای اینکه ما دارای يك فکری هستیم و مخالفین ما هم دارای فکر متضاد آن. مخصوصاً يك روزی در این جا که صلاحیتش از همه جا بیشتر است باید این فکر حل بشود. يك عده از مثل آقای دکتر مصدق و همینطور آقای ملک هم که عقیده ایشان را تأیید کردند معتقدند که يك مملکتی همیشه در محاصره يك مواد و اصولی که اساس قانون است منجمد باقی ماند و تکان بخوردش نهد. این عقیده يك عده است يك عده هم که بنده از آنها هستم عقیده شن این است که مهم ترین قوانین دنیا باید برای مصلحت مملکت وضع شود و هر وقت که استشاه ضروری برای مملکت کرد آن قانون را باید زیر پا گذاشت و اسگد کرد. یکی از آن قوانینی که بنده عقیده ام این است که باید همین معامله را با آن کرد و هر چه قانون استفاده قضات فرستاد قانون استفاده کشوری است. برای اینکه باید بالاخره يك روزی بنده و جناب عالی در مجلس شورای ملی به نشینیم و این موادی را که فرمودید روی افکار عمومی در درازة چهارم وضع شده و روی احساسات نبود که حالا با احساسات برود حساب کنیم و به بینیم که ضرر این قانون برای این مملکت چقدر است. وقتی که ضررش را فهمیدیم دیگر سیاست استخدامی و اینها از بین میرود و خود مملکت منحلش میکند و آن روزی که مملکت دیگر طاقت آن را نیاورد و توانست زیر بار سنگین آن تحمل کند از بین میرود ولو اینکه آقای دکتر مصدق هزار من زنجیر هم بگردنش بندازند باز میرود پی کارش و همینطور که در عمل دیدیم. مگر ما میخواستیم که این وضعیات پیش بیاید؟ پنجسال پیشتر آقای دکتر مصدق از فارس تلگرافانی کردند و ابدأ راضی نبودند که این وضعیات پیش بیاید و مخالفت کردند ولی سیر طبیعی را که نمیشود جلو گیری

کرد. موقتا نمیشود اما جلوگیری طبیعی را عرض کردم نمیشود گرفت ولی تنقید نمیشود کرد. فحش نمیشود داد. شب نامد میشود انداخت. اینکار هر چه میشود کرد. بلی این جا يك نوحه سر تپیدی فرمودند راجع به این قانون استخدام که بالاخره باید آن را حفظ کنیم و بنده همانطور که گفتم نوحه سر تپیدی وقتی میگویم که وقعا قانون استخدام این صورت و مهمین حل بیقی نماند بالاخره باید يك روزی آمد و آن را هم صلاح کرد. باید دید اساساً دیگران چه قسم زندگانی قانونی دارند. ما بالاخره نباید از خودمان زندگانی در آوردی اختراع کنیم. باید دید مملکتی که در ظل قانون زندگانی می کنند چه قسم کار میکنند ما يك نظامنامه داخلی برای خودمان داریم که از روی يك نظامنامه در بیست سال پیش از این ترجمه شده که آنهم مثل چهار سال قبیل بوده است. بنده عقیده ام این است که يك قسمت از مواد آن مضر است یکی از مضرات آن این است که لان سه چهار جلسه است (اول آقای تقی زاده دیگر این کار شدند بعد آقای دکتر مصدق) که در پیشنهادت سه ساعت چهار ساعت حرف زده میشود بالاخره این مملکت اگر این روزی که آقایان ابتکار کرده اند که وقتی مجلس مذاکره در يك موضوعی را کافی دانست و داخل در پیشنهادت شد دو باره در پیشنهادت مذاکرات را از سر بگیریم آقای دکتر مصدق تصدیق بفرمایند که نه تنها مجلس ششم موفق بقانون گذاری و خدمت مملکت نمیشود هفتاد و نه روز دیگر هم تپیدند قانونی وضع کند و مملکت خدمت کند باید جلو اینکار را گرفت. چهار دوره هم هست که ما هی در کمیسیون ها نظامنامه داخلی را اصلاح می کنیم ولی در این جا آن لوطی که بگذارد از این جا بگذرد کبست؟ می فرمایند قانون قانون را نمی گذارید بگذرد. ممکن نیست با این ترتیب قانون بگذرد. از روی چه فلسفه اختیار به کمیسیون عدلیه دادید؟ برای همین رویه ها بوده. ما در يك ماده چندین جلسه است داریم حرف میزنیم. آیا می توانیم هزارها ماده قانون عدلیه

را از مجلس بگذرانیم آهم باین طریق و با این پیشنهادها؟ پس ما حالا باید بگوئیم که چون آن نظام نامه بیست سال قبل ترجمه شده از روز قیامت هم باید باشد؟ نه بلکه بنده عقیده ام این است که غیر از قانون اساسی که آهم باین فورمول خاصی باید تغییرش دادنامه قوانین را در موقع احتیاج و در هر روزی میشود تغییر داد. آقای ملک میفرمایند که اصول را همیشه باید محترم شمرد و در اطراف اصول خیلی صحبت کردند. بنده متأسف هستم که گاهی در این مملکت مسائل فراموش میشود، تاریخ فراموش میشود بنده اوراق و اسناد و روزنامه هائی در دست دارم که بک روزی برخلاف تمام این اصول نوشته شده است شش سال هم رأی دادند فترت باشد، اساس مشروطیت تعطیل باشد و وکیل هم بک عده انتخاب شده بودند آقای ملک هم بودند بنده یاد ندارم که خیلی اظهار عقیده برای حفظ اصول کرده باشند و شاید یکی از مبرزین آن عهد هم بوده...

مدرس - چرا آقا گفتیم

شیروانی - بلی. شش سال فترت طول کشید و در بیک مواقع خطر ناک در موقع تهاجمات خارجی در وقتی که حالا دیگر اسم آن مواقع را نمیخواهیم ببریم...

بهار - کی - آقا توضیح بدهید

شیروانی - در بیک همچو موقعی آقای ملک عقیده داشتند که باید مشروطیت تعطیل شود...

بهار - دروغ میگوئید آقا

شیروانی - شما دروغ میگوئید...

(همه نمایندگان صدای زنک)

شیروانی - شما حمایت کرده اید از قرارداد شما عقیده داشتید که مشروطیت این مملکت شش سال تعطیل بشود. من نمیدانم آن روز چرا اصول را حفظ نمی کردید امروز که جامعه میگوید باید عدلیه منحل بشود باید بشود؟! ...

مدرس - پس کی حفظ کرد اصول را کی قرار داد

آن افکار عمومی حقیقی و آن افکار عمومی توده را شاهد بین خودم و آقای ملک قرار میدهم. آقای ملک راجع به پیشنهادشان فرمودند که این پیشنهاد را قبول بفرمائید بنده چون اطلاع دارم که ایشان ده پانزده تا پیشنهاد کرده اند و شاید هم عقیده ندارند که قبول بشود و میل دارند قدری در روی کار صحبت بفرمایند از این جهت بنده راجع به پیشنهاد ایشان عرضی ندارم اینجا فرمودند که باید بک نوعی عمل کرد که سوابق خدمات چندین ساله اشخاص از بین نرود. بنده تقدیس میکنم عواطف آقای ملک را نسبت برفقاییشان که حقیقه در فکر این هستند که بک عده از رفقاییشان را که در عدلیه هستند سوابقشان محفوظ باشد. این فکر را تقدیس میکنم ولی بنده اصلاح عدلیه را برحفظ حقوق اشخاص کاملاً ترجیح میدهم اگر عدلیه حقیقه اصلاح شد چند صد نفرم بی نان بشوند و فدای اصلاح عدلیه بشوند آقای ملک وجداناً باید اجازه بدهند. می فرمایند اجازه بدهید که ما انتقاد کنیم و چرا گفتند مذاکرات کافی است. بنده عرض میکنم که انتقاد خیلی خوبست و بنده هم تقدیس میکنم این فکر را و آقای ملک هم حقاً یکی از منقدین خوب و زبردست و قوی هستند ولی فرق است بین انتقاد و اشکال زنی. اگر آقای ملک حقیقه می خواهند انتقاد کنند و مانع پیشرفت بک مسئله نشوند بنده تصور میکنم در ضمن بک نطق درونطق که در مجلس میشود و مقالات در جرائد نوشته میشود میشود افکارشان را اظهار بکنند و اینها مانع از انتقاد نیست ولی بنده تصور میکنم اگر بک مخالفتی پیش آمده است اینطور احساس شده که نظر ایشان تنها انتقاد خالص نیست. در هر صورت ایشان در خانه فرمایانشان فرمودند که هرچه با احساسات بیاید با احساسات هم میرود بنده خلاف این را عقیده دارم و برخلاف تجربه کرده ام و معتقدم که با احساسات باید مملکت اصلاح بشود.

یکی از نمایندگان - تنفس داده نمیشود؟
 نایب رئیس - رأی میگیریم...
 باستانی - آقای بهر نهمت زده اند من باید توضیح بدهم. اجازه بدهید.
 افسر - باید خوب پیشنهاد آقای بهر داده شود چون آقای شیروانی فرمودند راجع به پیشنهاد عرضی ندارم.

بهار - مطابق نظامنامه توضیح دارم.

نایب رئیس - بفرمائید

بهار - خیلی متأسفم که در موقع صحبت آقای شیروانی بنده عصبانی شده زیرا حق این بود که ایشان در موقعی که اظهار میفرمودند صریح بگویند که در فلان مورد تو نوشتی که مملکت باید شش سال فترت بشود چون مبهم فرمودند بنده حقیقه متأسف شده از این که عصبانی شده و ما اینکه فرمودند رفقای خودشان را که در عدلیه بوده اند و بیرون کرده اند میخواهند حفظ کنند. این بک صحبتی بود که ممکن بود برای آقایان نمایندگان اسباب اشتباه بشود بنده عرض نکرده که چرا بک اشخاصی بیرون کرده اند بک اشخاصی را قبول کرده اند. عرض کردم که بک اشخاصی که هفده هیجده سال در این مملکت خدمت کرده اند، نوکر دولت بوده اند، نباید بدون رسیدگی و محاکمه گفت که اینها دزدند آهم در پشت تریبون در بک مقام رسمی بک کلماتی که حال بک حکم را دارد و از طرف بک قاضی باید گفته شود بدون محاکمه نباید بمردم گفت. نباید بقضاة (خوب باید) گفت (دزد) آهم بدون محاکمه. و اما خود بنده نه بک نفر قوم و خویش در عدلیه دارم نه بکنفر وابسته و نه بالاخره علاقه دارم که عدلیه بچه قوانینی جریان پیدا کند. بک محاکمه هم بنده در عدلیه داشتم که قبل از اینها در نتیجه بک قضایای سیاسی و غیر سیاسی محکوم شده ام و بواسطه هم ماهه دارم از حقوقم میهم و هیچوقت هم از آقای وزیر عدلیه تقاضائی نکرده ام و مرادم این بود که نسبت بد با شخص

داده نشود بدین محله .

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بهار
یاسائی - آقا اجازه بدهید . ایشان نهمت بمن زدند
نایب رئیس - سابقه این است که بکنفر موافق
و يك نفر مخالف حرف میزند . رأی میگیریم آقایانی که
پیشنهاد آقای بهار را تصویب می کنند قیام فرمایند .
(عده قایم قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد پیشنهادی که شده
است و تبصره است و مواد الحاقیه است . سابقه بر این
است که بدو ماده واحده رأی گرفته میشود بعد مواد
الحاقیه و تبصره و بعد در کلیات . فعلاً ماده واحده
قرئت میشود و رأی میگیریم با اصلاحات برسم

(ماده مزبور در آقای دیوان یکی شرح ذیل قرائت نمودند)
ماده واحده - مجلس شورای ملی اختیارات وزیر
فنی عدلیه مصوبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ را از تاریخ تصویب
این قانون برای مدت شش ماه تجدید و تمدید می نماید
بعضی از نمایندگان - چهار ماده است

دیوان بیگی - در اصل لایحه ششماه نوشته شده
وزیر عدلیه - خیر چهار ماه شده است
بعضی از نمایندگان - صحیح است

نایب رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه موافقت با
ماده واحده برتری که قرائت شد قیام فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . اجازه میفرمائید چند
دقیقه تنفس شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از
نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای یاسائی توضیحی دارند ؟
یاسائی - آقای بهار در ضمن فرمایشاتشان فرمودند که در

است . پس اگر این سابقه را ما در مد نظر قرار دادیم
می توانیم بگوئیم ما موافقیم با تجدید کنترلات او برای
این که کار خوب کرده است و باید گفت چون
کار خوب کرده و مملکت استفاده از کار او کرده ما
باید بایک اصلاحاتی کنترلات او را تجدید کنیم راجع
باختیارات هم بنده همین عقیده را درم عقیده ام این است که
ما وقتی يك اختیاراتی يك وزیر می دهیم باید به بدینیم
عملیات آن وزیر چه بوده . آیا حقیقت اصلاح بوده یا
خیر ؟ البته اگر ما مراجعه بعمل کنیم بهتر میتوانیم قضیه
را حل کنیم نظر بنده بطور کلی بوده و مربوط بشخص آقای
وزیر فنی عدلیه نبوده است ولی متأسفانه ایشان علاوه

بر اینکه توجه بعرض بنده فرمودند در پشت تریبون
يك حملات خیلی شدیدی فرمودند . بنده نمیخواهم عمل
مقابل کنم نسبت به ایشان . برای اینکه بنده اگر يك
آمد استفاده چی بشم جامعه و آقایان همه بنده را میشناسند
و اگر تقاضائی کرده باشم ایشان بهتر از همه میدانند
برای اینکه بنده در این مدت که ایشان اختیارات گرفته اند
فقط يك مرتبه ایشان را ملاقات کرده یعنی در همینجا در تنفس با بنده
يك مذاکراتی فرمودند که چند نفر از آقایان نمایندگان هم آنجا
حاضر بودند . بنده راجع بکلیت عرضی کرده . البته تصدیق
میفرمایند کسی که در طهران داخل يك سیاست هائی
بوده بهتر میتواند يك قضایائی را حل کند و اگر يك
نظریاتی در دورداد بنده عقیده ام این است که بآنها فرد ایرانی
که میخواهد يك کاری بکند باید کمک فکری بکند ولی
ایشان بدبختانه باخوشبختانه میل ندارند کسی با ایشان
کمک فکری بکند . بنده هم عرض نمیکنم و امیدوارم
که ایشان موفق شوند به يك اصلاحات کاملی به کمک
آقایان نمایندگان و بایک نظری که حقیقتاً نظر اصلاح
باشد . علاوه بر این بنده گمان میکنم اصلاحات در این
مملکت نه تنها در وزارت عدلیه بلکه در تمام وزارتخانهها
لازم است و هیچ صاحب وجدانی هم نمیتواند منکرشود
برای اینکه همه روزه در پشت همین تریبون اغلب

است . پس اگر این سابقه را ما در مد نظر قرار دادیم
می توانیم بگوئیم ما موافقیم با تجدید کنترلات او برای
این که کار خوب کرده است و باید گفت چون
کار خوب کرده و مملکت استفاده از کار او کرده ما
باید بایک اصلاحاتی کنترلات او را تجدید کنیم راجع
باختیارات هم بنده همین عقیده را درم عقیده ام این است که
ما وقتی يك اختیاراتی يك وزیر می دهیم باید به بدینیم
عملیات آن وزیر چه بوده . آیا حقیقت اصلاح بوده یا
خیر ؟ البته اگر ما مراجعه بعمل کنیم بهتر میتوانیم قضیه
را حل کنیم نظر بنده بطور کلی بوده و مربوط بشخص آقای
وزیر فنی عدلیه نبوده است ولی متأسفانه ایشان علاوه
بر اینکه توجه بعرض بنده فرمودند در پشت تریبون
يك حملات خیلی شدیدی فرمودند . بنده نمیخواهم عمل
مقابل کنم نسبت به ایشان . برای اینکه بنده اگر يك
آمد استفاده چی بشم جامعه و آقایان همه بنده را میشناسند
و اگر تقاضائی کرده باشم ایشان بهتر از همه میدانند
برای اینکه بنده در این مدت که ایشان اختیارات گرفته اند
فقط يك مرتبه ایشان را ملاقات کرده یعنی در همینجا در تنفس با بنده
يك مذاکراتی فرمودند که چند نفر از آقایان نمایندگان هم آنجا
حاضر بودند . بنده راجع بکلیت عرضی کرده . البته تصدیق
میفرمایند کسی که در طهران داخل يك سیاست هائی
بوده بهتر میتواند يك قضایائی را حل کند و اگر يك
نظریاتی در دورداد بنده عقیده ام این است که بآنها فرد ایرانی
که میخواهد يك کاری بکند باید کمک فکری بکند ولی
ایشان بدبختانه باخوشبختانه میل ندارند کسی با ایشان
کمک فکری بکند . بنده هم عرض نمیکنم و امیدوارم
که ایشان موفق شوند به يك اصلاحات کاملی به کمک
آقایان نمایندگان و بایک نظری که حقیقتاً نظر اصلاح
باشد . علاوه بر این بنده گمان میکنم اصلاحات در این
مملکت نه تنها در وزارت عدلیه بلکه در تمام وزارتخانهها
لازم است و هیچ صاحب وجدانی هم نمیتواند منکرشود
برای اینکه همه روزه در پشت همین تریبون اغلب

آقایان همین آقای شیروانی هزارها دفعه فرموده اند که
در فلان وزارتخانه ما چه اصلاحاتی لازم داریم که باید
بشود . این است که بنده هیچوقت مخالف با اصلاحات
نبوده ام و نیستم و امیدوارم هر کسی که فکر
اصلاحی نسبت به هر وزارتخانه داشته باشد موفق
شود . ولی اینجا بنده يك اصولی در دعوت قضات
معتقد هستم باید باشد همانطور که سابق هم در قوانین
تشکیلات عدلیه بوده . از جمله این است که يك قضا
را که در مرحله اول دعوت میکنند برای قضاوت باید
امتحان قضائی بدهد و بعد از آنکه امتحان قضائی داد
بعقیده بنده باید ترقیاتی نسبت به گذشته باشد .

وزیر - ماده ۶۳

حاج شیخ بیات - تبصره است . اینجا ۶۳ ندارد
مراجعه بنظر شما بفرمائید . در قانون سابق این موضوع
بود که هر قضائی را که دعوت میکردند بعد از آنکه امتحان قضائی
میکردند یکسال بطور استثنای عمل میکرد و بعد از آن
تازه این آدم را بر تریبون اول قضاوت می گذاشتند و این هم
حق بوده نه خلاف حق برای اینکه مجرد تحصیل و اطلاعات
علمی نمیتواند يك شخصی را در عمل يك قضائی خوب
بکند . بعد از آنکه يك مدتی عملیات قضائی کرد آنوقت
میشود گفت قضی خوبی است این مسئله قضاوت يك امر
مهمی است در مملکت چون حقوق جامعه را حفظ میکند هر چه
مملکت دارد از حیث نهوس و شرافت در زیر دست
قضات و عدلیه است و حقوق مردم در این وزارتخانه
باید محفوظ شود این است که بنده اینجا پیشنهاد کردم
که آقای وزیر عدلیه قبول بفرمایند و این اختیاراتی
را که دارند يك نفر قضائی جدید را که دعوت میفرمایند
بقضاوت اولاً امتحان قضائی نسبت باو عمل بشود یعنی
اول او را امتحان قضائی بکنند بعد او را دعوت کنند
و اما قسمت دیگر پیشنهاد بنده راجع است بدعوت
اشخاص اداری برای استخدام وزارت عدلیه همانطور

که آقای تقی زاده در جلسه گذشته فرمودند ما نباید این طور قانون استخدام را از بین ببریم. عقیده بنده این است که بالاخره مجلس شورای ملی باید یک تصمیمی درباره این قانون استخدام بگیرد یا اصلاحش کند یا بکلی از بین ببرد نه اینکه باین عنوان متشبه شود، یک جا دمش را بزند، یک جا پایش را، یک جا سرش را، آنوقت یک جسد تنها باقی ماند. این است که بنده معتقدم اشخاص اداری را که می خواهند دعوت کنند برای قسمت اداری وزارت عدلیه از منتظرین خدمت وزارت عدلیه بسایر وزارتخانهها دعوت کنند و همان رتبه که سابقاً مشغول کار بوده اند دعوت کنند برای اینکه ما همیشه از سنگینی بودجه مملکت داد میزنیم یک کسی که خودش باچهل تومان در فلان وزارتخانه کار میکرده است امروز او را بیاریم صد و هفت تومان بدهیم جهت ندارد. بالاخره ما اختیارات داریم در دادن پول این ملت بیک مستخدمینی امانه این اندازه که از کیسه ملت بدهیم. این است که بنده این پیشنهاد را کرده و هیچ نظر خصوصی هم با کسی نداشته و ندارم و تکذیب می کنم اینکه فرمودند تقاضائی از کسی کرده ام نه از این وزارتخانه بلکه هر وزارتخانه در پشت همین تریبون بیاید ثابت کند اگر من تقاضای نامشروعی از کسی کرده ام حاضرم که محکوم بشوم.

وزیر عدلیه - تنگی وقت و مذاکرات مفصلی که ناچار در مجلس راجع باین پیشنهادات شده است البته مانع از این است که بنده بخوام در اینجا شرح مفصلی عرض کنم لذا در آن قسمت مقدماتی فرمایشات ایشان و ارس نمیشوم و گمان میکنم بهتر همین است. البته بنده و ایشان نمی بایستی اینجا وقتی میخواهیم یک مسئله مهمی را حل کنیم یک صورتی در ضمن مذاکره پیدا کند که مثل دعوای شخصی بشود. وارد میشوم در قسمت دوم که اصل پیشنهاد باشد. اصل پیشنهاد یک جزئیات مربوط بامتحان قضاة است که میفرمایند سابقاً اینطور بوده

است. بلی این اواخر قرار یک امتحانی بود. خود بنده هم یک وقتی جزء متحنین دعوت شده بودم و بواسطه این که خودم آنجا بوده دیدم که آن امتحان سرو صورتی نداشت و فقط یک صورت ظاهری بود. چون بدیختی این است که در این مملکت چون عادت بامتحان و این ترتیبات نازه نکرده ایم اشخاص خیلی فاضل وقتی بای امتحان شد حاضر نمیشوند. انصاف بدهید. یک اشخاص متنوری را اگرخواستید امتحان کنید امکان ندارد حاضر شوند. آنوقت یک اشخاص درجه سوم و چهارم ممکن است حاضر شوند برای امتحان و وقتیکه شما این شرط را قرار دادید ناچار هستید آن اشخاص درجه سوم و چهارم را صورتاً یک امتحانی بکنید و یک ورقه هم بدستشان بدهید در موقعی هم که عدلیه منحل شد یک عده زیادی از آقایان بودند که هیچ امتحان هم نداده بودند، از بهترین هم بودند، خیلی فاضل هم بودند و هستند و بعضیها را هم بنده در این تشکیلات داخل کردم ولی در هر صورت مقامات مهم بیشتر در دست اشخاصی بود که سابقه امتحان نداشتند همان سابق هم وقتیکه قرار امتحان شده بود گفتند آنهائی که قبل از سنه ۳۲ داخل شده اند نباید امتحان کرد. اما در قسمت دوم اینها هم گمان میکنم زیاد اظهار نظر کردن درش لازم نیست برای اینکه از اول بنده مخالف بودم و اگر بنا بود بنده یک اشخاصی را از یک جائی بیارم و از رتبه اول یا اینکه یک رتبه بالاتر بهشان داده شود این البته ممکن بود ولی دیگر این اختیاراتی که بنده گرفتم و تا امروز هم عمل کرده ام لازم نبود بهر حال باقی قضیه بسته است به رأی آقایان.

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس تصویب نشد. تبصره پیشنهادی آقای عباس میرزا (باین مضمون قرائت شد)

تبصره ذیل را بقانون اختیارات عدلیه پیشنهاد میکنم اجزاء عدلیه سابق تا در محکمه محکوم نشده و تقصیر آنها ثابت نشود جزو مستخدمین رسمی عدلیه محسوب خواهند بود

نایب رئیس - آقای عباس میرزا.

عباس میرزا فرمائید مائیان - مقصود بنده از پیشنهاد تبصره این است که یک عده زیادی از اجزاء عدلیه سابق بحال تزلزل در ولایات و طهران هستند. یک اشخاصی توانسته اند بطهران آمده اند ممکن است کار خودشان را صورت بدهند و اگر هم دوسیه آنها بمحکمه انتظامی رفته باشد تا آنها را احضار کنند البته یک مدتی برای آنها لازم است که بیایند و خودشان را تبرئه کنند و بالاخره اگر مدت اختیارات تمام شود رسد باینکه در یک جائی تبرئه یا محکوم شوند تصور می کنم خود آقای وزیر عدلیه نظر ندارند که اینها بکلی از خدمت دولتی محروم شوند. نظر باینکه اینها بکلی از حقوق و خدمات سابقه خود محروم نشوند یک تذکری بنده در اینجا دادم که اگر نظر آقای وزیر عدلیه باشد بیک ترتیبی در قانون بگنجانند بعضی از نمایندگان - رأی بگیرید

وزیر عدلیه - یک مرتبه دیگر پیشنهاد قرائت شود. (مجدداً قرائت شد)

وزیر عدلیه - اگر مقصود نماینده محترم این است که سر کار باشند اینرا بنده قبول نمیکنم و اگر مقصود این است که تا وقتیکه سر کار نیامده اند جزو منتظرین خدمت باشند این در قانون سابق هست و لزومی ندارد اینجا نوشته شود.

عباس میرزا - در صورتیکه هست بنده مسترد میدارم نایب رئیس - تبصره پیشنهادی آقای روحی.

(مضمون ذیل قرائت شد)

تبصره الحاقیه - کلیه قضات و رؤسای محاکم بیش از سه سال حق مأموریت در یک محل را نخواهند داشت

نایب رئیس - آقای روحی.

روحی - بنده توضیح زائیدی ندارم وقت هم گذشته است مأموری که در یک محل ماند در تحت نفوذ اهل همان محل واقع میشود بنا بر این خوب است آقایان هم اجازه بدهند که این پیشنهاد تصویب شود

نایب رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - یک مسئله را در کمیسیونی که از نمایندگان فراکسیونها در منزل آقای وزیر عدلیه تشکیل شده بود نظیر این مسئله بنده با آقای وزیر عدلیه صحبت کردم. اگر آن مسئله اساسی باشد بنده جداً مخالفم. این پیشنهاد هست بعد آقای وزیر عدلیه فرمودند چرا میگوی (اگر) بنده نظرم این است که برای این عدلیه که مقامات ایران عموماً متوجه هستند بصلاحش یک هیئت تقشبه معین شوند سالی دو مرتبه سه مرتبه در ایالات و ولایات روانه شوند باین معنی سابقاً قانون اساسی قضات را دارای یک استقلال و ثباتی کرده بود که هیچ نوع نمیشد حرکتشان داد چون حقیقه تقشیش در بین نبود، محاکمه هم در بین نبود، محکمه انتظامی هم در بین نبود، در اینصورت این پیشنهاد ضرورت داشت که دو سال سه سال بیشتر در محل نمانند. اما اگر این موادی است که وزیر عدلیه وضع کرده است و این لایحه تشکیلات است که وزیر عدلیه معین کرده است و بنده که رأی میدهم روی این عقیده رأی میدهم که هیئت مفتشه معین خواهد شد از طرف وزارت عدلیه یعنی قضات سیاری معین خواهند شد در هر سال در ولایات گردش خواهند کرد دیگر یک سال باشد یا دو سال باشد یا چهار سال باشد برای چه؟ و اگر شما میخواهید برای قاضی هیئت مفتشه معین نکنید سه سال که سهل است شاه هم زیاد است اما اگر هیئت مفتشه میخواهید معین کنید چنانچه در لایحه تشکیلات هم هست و باید این کار را بکنند و

وزیر عدلیه باید بیاید در پشت تریبون بگوید که ما قضات را که معین میکنیم هیئت مفتشه هم برای آنها معین میکنیم و میفرستیم چون قضات ما که میفرستیم دارای ملکه عدالت نیستند دارای ملکه عصمت نیستند باید از قوه قضائیه هیئت تقنینیه برای آنها معین شود که بروند اعمالشان را تفتیش کنند و دوسیه آنها را تحت نظر بگیرند هر دوسیه که محل اشکال واقع شد بمحکمه انتظامی بیاید اگر هم منظور که آقای وزیر عدلیه در منزلش گفت که چرا میگوئی (اگر) یکی از کارهای مهم من معین کردن هیئت مفتشه است اگر بشاید یعنی (اگر) هم ندارد مساماً همینطور که محاکم را که تشکیل دادند هیئت مفتشه را هم تشکیل میدهند در اینصورت چرا سه سال باشد؟ شما وحشت دارید که سه سال در آنجا ماند اهل میشود و يك تریبانی واقع میشود اما وقتی هیئت مفتشه ما قرار میدهیم آن قسمت را دیگر نباید قائل شد و همیشه هم قانون باید مندر و مبشر باشد یعنی همان چیزی که در شعر فردوسی هست که نمیخواهم اینجا بگویم باید مأمور که از اینجا روانه میشود رقیب و عنید همراهش باشد یعنی چشم همراهش باشد، حالا آقایان: ما زود یادمان میبرد، ایران فراموشکار است، بنده خودم یادم رفته است که در پنج شش ماه قبل یکساعت داد زدم از دست عدلیه که آقایان بیایید عدلیه را اصلاح کنید، حالا آقای حاج شیخ بیات میفرمایند ما کنترات دکتر میلیسیو را تجدید میکنیم، آقایان دکتر میلیسیو پنجسال است کار کرده است و حالا میخواهیم تجدید کنیم ولی آخر این را هم بگذارید یکسال بماند آنوقت بگوئیم برود ولی چهارماه که بیشتر نیست، بگذارید يك مدتی بگذرد که ای صوفي شراب آنکه شود صاف، پس باید هیئت مفتشه معین شود که مبشر و منذر باشد بروند تحقیق و تفتیش کنند، بنابراین حالا که آقای وزیر عدلیه این را قبول میکنند و در پشت تریبون میگویند برای ایالات و ولایات و مرکز

قضات مفتشه معین میشوند و بدرسیه رسیدگی میشود بنده عقیده ندارم مدت مأموریت آنها را تجدید کنیم آقای وزیر عدلیه میفرمایند بلکه نسبت بتمام مأمورین، خیر آقایان مأمورین را تحت تفتیش قانون قرار بدهید هیچ محتاج باین نیست اگر بخواهید باز مطلق العنان باشد فرقی نمیکند دو سال باشد پنج سال باشد یا ده سال این است عقیده بنده.

وزیر عدلیه - بنده در آن قسمت راجع بتفتیش همانطور که خود نماینده محترم اظهار کردند وقتی با (اگر) اظهار کردند عرض کرده (اگر) نفرمائید و الان هر يك از آقایان بخواهند رجوع کنند بعدلیه برای اینکه برای آنها مسلم شود بنده میتوانم آنها را ببرم رجوع کنند و به اینند راجع بهمین اشخاصی که الان در سر کار هستند بواسطه يك کارهای جزئی که از آنها سر زده است و عدم رعایت بعضی مواد در محکمه انتظامی تعقیب شده اند و یکی در نفر هم محکوم شده اند بنا بر این بنده از نقطه نظر خصوصی اشخاص را نیاوردادم و کاملاً هم این عقیده را که اظهار کردند بنده معتقدم که اساس اصلاح در حسن انتخاب اشخاص نیست بلکه روی این است که يك مراقبت و تفتیشی شود تا هر کس بطور قطع و یقین بداند که هر کس بد کرد باید مجازات شود. اما راجع باصل پیشنهاد آقای روحی بنده بهتر میدانم که قضیه را واگذار برای مجلس بکنم. اگر اگریت موافقت کردند که کرده اند ولی این چندین مربوط باصل تشکیلات ما نیست.

نایب رئیس - آقای روحی صاحبمنصبان پارکه را هم به پیشنهاد خودشان علاوه کرده اند مهدوی - بنده مخالفم نمیشود وزیر عدلیه - در هر حال اگر آقایان میخواهند رأی بدهند باید بدانند که نسبت بکلیه قضات این مسئله غیر عملی است زیرا مثلاً اعضاء تمیز را نمیتوانم بعد از يك مدتی ببرم بولایات

روحی - خیر راجع بولایات است.

نایب رئیس - آقای مهدوی

مهدوی - بعقیده بنده تفسیر قانون اساسی را مجلس حق دارد بکند ولی خوب است بدو آنرا تفسیر کنند بعد رأی به پیشنهاد بدهند. اصل هشتم دو دوه میگوید تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه ممکن نمیشود مگر رضای خود او و در صورتی که مینویسد مگر بحکم قانون در این جا آن عبارت را هم ندارد.

نایب رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - اولاً همانطور که فرمودند حق تفسیر مجلس است و مجلس هر قانون را که گذراند خودش تفسیر قانون اساسی است و ما این فرضی را که آقای رئیسالتجار فرمودند مستلزم این میشود که نتیجه و نواده های هر قاضی در آن محل قضاوت کنند پس قصد انشاء قانون گذار این نبوده است. قصد انشاء قانون گذار این بوده که قضی در هر جا هست بدون تقصیر او را نمیتوانند عزل و نصب نمایند بلکه میتوانند بقضی بگویند از شهر تبریز برو مراغه.

عضی از نمایندگان - اینطور نیست.

نایب رئیس - آقای بیات

بیات - بنده با اظهارات آقای شیروانی موافقم

نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - همانطور که آقای آق سید یعقوب در ضمن نطقشان اشاره کردند در آن روزی که در منزل آقای وزیر عدلیه کیسیون بود که بنده هم یکی از آن اشخاص بودم که در آن کیسیون بودیم ما نظریاتمان این بود و يك تبصره هم نوشتیم و بعد پیشنهاد میکنیم. آن کیسیون هم که اصول تشکیلات را مینوشته است يك ماده نوشته است که محلی بودن قضات را مانع است. ما با آن اصل هم مخالفیم و يك پیشنهاد میدهیم که آن اصل الغاء شود و محلی بودن مانع نباشد آنچه رسیده

اینکه دو سال هم نباید در محل شد این پیشنهادها و این صحبتها يك طوری دارد جلوه میکنند که گویا طهران را ما خارج از ولایات فرض میکنیم. خیر آقای طهران که خارج از ایران نیست. ایران هم طهران نیست. در تمام ولایات اگر مردمشان لیاقت قضاوت داشته باشند و صالح باشند حق دارند قضاوت کنند و کسی که صلاحیت داشته باشد و بخواهد قضاوت کند نباید به او گفت که حق نداری در اینجا قضاوت کنی که باید حتماً بروی در جوشقان قضاوت کنی. بنده باین نظر نمیتوانم موافقت کنم و تصور میکنم که این يك نظر سوئی هم در ولایات تولید میکند الان برای این ماده در ولایات نسبت به این اصول تشکیلات بدین شده اند برای این ماده. لهذا نمیشود بدین پیشنهاد رأی گرفت علاوه بر اینکه ما مخالفیم بدین هم نمیتوانیم رأی بدهیم که دو سال بیشتر نباشند

عضی از نمایندگان - رأی بگیرید.

محمد هاشم میرزا افسر - رأی به چه بدهیم؟

نایب رئیس - آقای بیات

بیات - اینجا دو قسمت آقای عراقی مذاکره فرمودند یکی نسبت بموضوع تفسیر قانون اساسی و یکی قسمت محلی بودن ما در اصل موضوع قانون اساسی همانطور که فرمودند مقصود از این تبدیل تبدیل بشغل اداری است یعنی يك قضی را ببرند در اداره مستخدم بکنند یا بالعکس این البته باید محتاج رضایت خودش باشد و الا اگر نتوانند تبدیل رتبه بدهند این يك چیزی است که هیچ ممکن نمیشود.

جمعی از نمایندگان - اینطور نیست. اصل قانون اساسی است.

(همیشه بین نمایندگان)

بیات - تا باید يك قضی نمیشود در يك نقطه باشد تبدیل نتوانند بدهند نتیجه اش اینطور میشود آنوقت

باید تمام مال و جان مردم را دست او بدهند و همانطور که اظهار کردند البته اگر مجلس شورای ملی رأی داد که مقصود تبدیل بشغل اداری است آنطور میشود و اگر رأی ندارد بان ترتیبی که سابق بوده و آقایان اظهار میکنند رفتار میشود...

(همهمه بین نمایندگان - صدای زنك)

بیات - بهر حال این قسمت بسته برای مجلس است..

(همهمه نمایندگان)

بیات - پس مذاکره ایشان را بفرمائید بعد بنده عرض کنم.

نایب رئیس - آقای افشار

بیات - بنده صحبت تمام نمیشد. خواستم صحبت سایر آقایان تمام بشود بعد عرض کنم اما راجع بمحلی بودن. این قسمت هم هیچ محل گفتگو نیست که اگر يك آدمی مدتی در يك محلی ماند هر چه هم مقدس باشد يك حب و بغض هائی برایش پیدا میشود...

بعضی از نمایندگان - صحیح است

(بعضی گفتند صحیح نیست)

بیات - هر چه هم مقدس باشد باز در ضمن در عمل يك خبطهائی ممکن است بکند و يك حب و بغضهائی پیدا میکند و اگر این آدم خوب است بگذارید جاهاي دیگر هم ازش استفاده کنند و اگر بد است يك مدتی هم رفع شر او از آنجا بشود. در هر صورت ما نمیگوئیم که حق قضاوت را از او سلب کنند. حق قضاوت از او سلب نمیشود. او قاضی است از این نقطه بلندش میکنند نقطه دیگر میگذارند. بهر صورت بعقبه بنده از نقطه نظر مصالح مردم لازم است و هیچ مخالفتی هم با قانون اساسی ندارد

عده از نمایندگان - (با همهمه) خیلی مخالفت دارد (صدای زنك)

نایب رئیس - آقای افشار

افشار - اگر هل محل بودن بد است بنده عرض میکنم چرا برای طهران خوب است برای سایر نقاط بد است باید این قسمت را هم در مرکز و هم در ولایات مراعات کرد. بی بد را اگر بيك جائی بفرستند که محل خودش نباشد بدتر خواهد بود و اگر در محل خودش باشد بیشتر اشخاص را میشناسد بیشتر اهل محل خودش را میشناسد و ممکن است تا درجه ملاحظه کند ولی در قسمت اینکه لم يتغير ولم يتبدل باشد قانون حکم میکند که اگر قاضی برخلاف عدالت و قانون رفتار کرد باید او را عوض کرد. ما وقت معین کردن دو سال و سه سال خوب نیست. البته اگر يك قاضی خوب بود ده سال هم نماند ضرر ندارد و اینکه برای يك قاضی دو سال مدت معین کنند.

روحی - سه سال

افشار - بقول آقای سه سال مدت معین میکنند بنده مخالفم.

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید. این مطلب که حالا اینجا مطرح است بيكی از قسمت های مهم حقوقی و مسائل مبتلا به عدلیه است. چندین سال متوالی در عدلیه اشخاصی که مربوط بکار این وزارتخانه بودند همیشه گرفتار این قسمت بودند. بعضی آقایان در ضمن صحبتشان میگفتند که یکی از علل انحلال عدلیه همین بود. بنده با تجربیاتی که در عمل در عدلیه دارم این حرف را تصدیق کنم و از آنطرف هم میتوانم عرض کنم که در ضمن يك تبصره بایک ماده قانون باینکه آقایان میل دارند در این قسمت خیلی دقت شود و قانون اساسی هم ذکری در این قضیه دارد حالا بتوانیم امروز با این عجله این کار را صورت بدهیم. در اینکه این قضیه باید يك صورتی بخودش بگیرد هیچ حرفی نیست. تمام آقایان که میل به اصلاح عدلیه دارند باید معتقد باشند که اگر در ترجمه يك عبارتی درست مقصود اصلی بعمل نیامده بالاخره يك روزی باید اصلاح شود. لايتغير بودن

قاضی از نقطه نظر محل. با از نقطه نظر صندلی این يك چیز عجیبی است! اما از نقطه نظر مقام و رتبه و قضاوت هم برای حفظ استقلال قاضی در مقابل قوه مجریه این يك مسئله است که بایستی کلاماً درش دقت کرد. بنده میخواهم از آقای روحی نمنا بکنم که در اینموقع که ما میخواهیم اصل قضیه تشکیلات وزارت عدلیه و اختیارات آقای وزیر عدلیه را از مجلس بگذرانیم و این کار عجله هم دارد این ابن تبصره شان را عجالتاً مسترد بدارند خود آقای وزیر عدلیه در این خصوص فکر بفرمایند يك لایحه مخصوصی در این باب تهیه کنند بیاورند بمجلس با اطلاع آقایان نمایندگان این بفرنج بزرگ حل شود

روحی - بنده مشروط بر اینکه این طرح زودتر بیاید مسترد میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد دیگر آقای روحی (بمضمون ذیل خوانده شد)

تبصره الحاقیه - کلیه روسای محاکم ومدعی العموم ها و وکلای عمومی در حوزه مأموریت خودشان اعم از ولایت یا ایالت از انتخاب شدن بوکات مجلس شورای ملی محرومند

نایب رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم در آن تبصره که فرمودند... (همهمه بین نمایندگان)

روحی - آقا زنك را بزنبد زیاد صحبت نکنند. در آن تبصره که بنده سابق دادم بجدی آقایان اظهار موافقت کردند که حتی امان ندادند بنده توضیح بدهم حتی بعضی ها هم گفتند سه سال زیاد است دو سال کنید ولی حالا خواهش میکنم يك قدری نسبت باین توجه بفرمایند این نه اصطکاک با قانون عدلیه دارد و نه با قانون اساسی و نه بهیچ جای دنیا بر میخورد عرض میکنم بهمان اصلی که مأمورین نظام و مأمورین مالیه از

انتخاب شدن محروم مانده اند بهمان اصل هم قضات و صاحب منصبان عدلیه بایستی محروم شوند چون این عدلیه که بنده می بینم آقای داور در نظر دارند يك عدلیه با اهمیت و عظمتی خواهد شد و از آنجا که بنده بقضی اهمیت میدهم و مقام قضی را در جامعه خیلی مهم میدانم و نباید جز نظر عدالت برای جامعه چیز دیگری را تعقیب کنند اگر این حق را ما از قضاة بگیریم رفته رفته بهوس وکالت میافتند و این هوس وکالت باعث تضییع حقوق زیر دستن میشود و با متنفذین محلی میسازند و در دوره هفتم ناک نمایندگان مجلس شورای ملی از قضات عدلیه خواهند بود. بنده این پیشنهاد را کردم و امیدوارم با قانون اساسی هم مخالفت و تضادی نداشته باشد

نایب رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده استدلالاتی که نماینده محترم برای پیشنهاد خودشان کردند صحیح نیست...

بعضی از نمایندگان - صحیح است

شریعت زاده - زیرا که اولاً دلائلی که ایشان راجع بنظامیها اشاره کردند بهیچوجه دلائلی نیست که در مورد قضاة مؤثر باشد همچنین دلائلی که راجع به... (همهمه بین نمایندگان)

شریعت زاده - بنده خواستم بعرض آقایان برسانم که دلائلی که نماینده محترم راجع بنظامیها اقامه نمودند در این مورد نمیتواند مؤثر باشد. همچنین دلائلی که راجع بمأمورین مالیه فرمودند زیرا موقعی که مجلس راجع بمأمورین مالیه رأی داده است موقعی بوده است که فجایع اعمال مأمورین مالیه در دو سال قبل از این و تضییقاتی که آنها نسبت بهنالی میکردند و احتیاجات شدیدی که نسبت بمساعدت آنها داشتند موجب شد که مجلس آن رأی را داد والا او هم فلسفه ندارد و بعلاوه بنده معتقدم هر قدر در مجلس از قضات و وکلای از حیث ورزش فکر قابل استفاده هستند بیشتر باشند بمصلحت مملکت است. این است که بنده با این پیشنهاد مخالفم

نایب رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. تبصره پیشنهادی آقای بهار (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده علاوه شود.

تبصره - هر يك از قضات سابق که در عدلیه دعوت نشده اند باید محکمه انتظامی دلیل عدم صلاحیت او را در ظرف چهار ماه تمدید در جراید اعلان نماید

شیروانی - بنده يك تذکر نظامنامه دارم

نایب رئیس - بفرمائید

شیروانی - فقط ماده ۱۱۰ را بنده اخطار میکنم

نطق باید از موضوع مباحثه خارج نشود چنانچه خارج شود رئیس او را متذکر میسازد و اگر ناطق مزبور بخواند توضیحاتی بدهد که او از موضوع خارج نشده است آنکه خارج از موضوع شدن دلایل دارد در این باب اجازه داده نخواهد شد

بهار - این بدیهی بود و محتاج بفرمایش سرکار نبود

خیلی مرحمت فرمودید آقای شیروانی عرض کنم این پیشنهاد بنده يك تبصره است و البته اگر چنانچه در اطراف این تبصره لافاقل موفق شوم که جواب فرمایشات آقای شیروانی را که بقول خودشان داخل در موضوع بود بدم مقصود خود رسیده ام. عرض کنم متأسفانه علی رغم آن یاد آوریهائی که بنده در نطق خود کردم آقای شیروانی در موقع دفاع از نطق بنده باز متشبهت بشخصیات شدند آقای شیروانی در ضمن فرمایشاتشان در مقابل اظهارات بنده که عرض کردم اگر چنانچه اهالی يك مملکت از يك مؤسسه ناراضی باشند اسباب زحمت آن مؤسسه می شود در مقابل این اصل مسلم ثابت ایشان دفاعی که فرمودند این بود که ملك الشعراء بهار يك روز دیگری

کابینه ثانی ایشان انتخاباتی که بعد از سقوط کابینه اول ایشان که بواسطه انقلابات مملکتی ناقص و خنثی مانده بود دو دفعه در کابینه ایشان شروع شد و وقتی که کابینه ایشان بعد از دو سال افتاد انتخابات تمام شده بود و کلاً بحد نصاب در مرکز حاضر بودند

نایب رئیس - از موضوع خارج نشوید

بهار - بنده باید جواب اعتراضات ایشان را بدم و تقریباً عرایض بنده هم تمام شد بالاخره بنده در آوقت ابتدا پیشنهاد نکردم که باید شش سال فترت باشد

شیروانی - مقالات ایران شاهد است

بهار - مقالات ایران تمامه نفع جامعه و نفع مملکت بوده است و بالاخره آنروز که شب در این شهر نبودید مادر این شهر خدمت میکردیم و این فکر نوی که امروزه اساس اقتضای متجددین شده است در نتیجه زحمت ماها بوده است ما نوشتیم که مملکت باید انتظام داشته باشد ما نوشتیم که باید هوچی گری و فساد از مملکت برود. ما نوشتیم که بایستی امنیت و عدالت و انتظام قائم مقام هر ج و مرج بشود. امروز هم اگر يك افق روشنی می بینید - نتیجه زحمت ما است که نوشته ایم و ملت هم شنیده است و قدردانی هم کرده و باز هم قدردانی میکند.

اما راجع به وزارت عدلیه و راجع به تبصره بنده دیگر لازم نمیدانم قضایای زیادتر و مطالب بیشتری از آنچه عرض کرده ام عرض کنم ولی نظر بخیر و صلاح خود آقای وزیر عدلیه است که این پیشنهاد را کرده ام و نمنا دارم حالا که اراده شخصی ایشان میتواند عامل خوبی و بدی اشخاص بشود که یکعده امتحان داده و سابقه دار را محروم کنند و یکعده اشخاص بی سابقه را سابقه دار کنند لافاقل اشخاصی را که رد میکنند دلیل رد شدن آنها را محکمه انتظامی مردم بگوید تا ما بدانیم که حقیقه مصلح محترم عدلیه بچه دلیل بعضی از قضات را نفی کرده اند و یکعده را قبول کرده اند حالا میل دارند رأی بدهند میل ندارند رأی ندهند

نایب رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده با مقدماتی که آقای بهار فرمودند کاری ندارم برای اینکه يك منازعت خصوصی بود و از آقایان استدعا میکنم که بعد از این بن عنوان پیش نیاید زیرا قضایائی که در مجلس طرح میشود باید راجع به قضایای پارتی باشد و اما راجع به این پیشنهادی که آقای بهار فرمودند بنده نظرم می آید که بدکتر میلسیو گفتم فلان امین مالیه بان در فلان کاری که از وظایفش بیست مداخله میکند گفت سندی در مقابل این است گفتم از کج میشود سند بدست آورد زیرا بر فرض يك کسی که دزدی کرد هیچوقت سند نمیدهد که من دزدی کردم و همینطور که آقای داور فرمودند يك اشخاصی هستند توی عدلیه که اگر دوسیه آنها را آدم نگاه کند می بیند که بی اتین سامان فارسی هستند ولی کسیکه در جریان کار هستند آنها میدانند که اینها چه کار کرده اند از این جهت نمیشود دلیل آورد یعنی يك مسئله ریاضی و حسانی نیست که بگویند دو دو تا میشود چهار تا فلان آقا فلان چیز را گرفته است و پدر مرده را در آورده است اینها غالباً لیاقت تقوی در نظر مردم پوشیده اند. ولی بهترین دلیل خرابی عدلیه سابق همان فرید های مردم و استغاثه ولایات بوده است که همه می شنیدیم. بنده که یک نفر روز نامه نویس هستم و مردم سرو کار دارم حقیقه از ده نفر يك نفر رضی پیدا نکردم و آنکسی این اشخاص هم که فعلاً در عدلیه هستند اینها ایرانی هستند و البته آن اشخاصی هم که ده سال بیست سال در عدلیه خدمت کرده اند البته وظیفه وزارت عدلیه است که آنها را بیاورد و بنده با آن نظر اعتمادی که بد آقای وزیر عدلیه دارم هیچوقت میل ندارم که بهیچکس اعمال غرض خصوصی نفرمایند و البته هم نمیکند پس بنا بر این نمیشود متشبهت شد به این اصل که نباید دوسیه اینها خراب و فاسد باشد و با اینکه بطور ختم وارد عدلیه بشوند و ممکن است اشخاصی هم باشند که

دوسیه شان هم خراب نباشد ولی نشود آنها را در عدلیه وارد کرد بنده و خود آقای بهار هم البته روی این اصل عقیده داریم.

نایب رئیس - رأی میگیریم.

بهار - مقصود بنده توضیحات بود. اصراری ندارم، شیروانی - در شب نامه هم ممکن بود

بهار - هرکس شب نامه مینویسد خائن است

نایب رئیس - تبصره پیشنهادی جمعی از آقایان (بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم: تبصره مدت اختیار وزیر فعلی عدلیه برای استخدام اشخاصی که سابقه خدمت دولتی ندارند. از تاریخ تصویب این قانون بدست روز است. افسر. وعده از نمایندگان

نایب رئیس - آقای افسر

افسر - اگر چه بحسب طرزى که امروز در مجلس شایع شده است یعنی داخلی شدن در متفرعات و نظایر لا اقل بنده هم باید در این موضوع دو ساعت صحبت کنم ولی بنده عقیده دارم که باید دلائل اصلی را گفت نه دلائل که ابدأ ربطی بموضوع ندارد بنده این پیشنهاد را کردم و مقصودم از این پیشنهاد این است که با آن سنگینی که در بودجه مملکت است با آن عده مستخدمینی که بودند و هستند و بعضی از آقایان دیگر هم این پیشنهاد را امضا کردند مقصودشان اینست که برای اشخاصی که میخواهند تازه وارد شوند چهار ماه زیاد است برای اینکه اگر بنا باشد ناچار ماه دیگر بذیرفته شوند این خیلی زیاد است زیرا که در ناک اشخاصی که سابقاً در عدلیه بوده اند باید بروند یا جزء منتظرین خدمت بشوند و این در واقع ظلم است و البته در این مدت چهارماه هم امعان نظر کرده اند و کسانی را که در طهران شایسته و لایق بوده اند چه خودشان و چه دوستانشان معرفی کرده اند و بدست روز دیگر هم اختیار

مادون وارد خدمت قضائی بشود میگویند از نقطه نظر موقعیت مهم خوزستان برو رئیس استیناف آنجا بشو ایشان نمیروند پس باید دیگری را بجای او انتخاب کنند بنا بر این بگذارید در این مدت چهار ماه این امتیاز باشد که اگر يك اشخاصی را انتخاب کردند بعد معلوم شد که نالایق هستند بتوانند آنها را تغییر بدهند و يك آدمی سابقه را نگذارند بیست سال قاضی باشد

آقا سید یعقوب - بنده اجازه میخواهم مخالف هستم بایمانات آقای یاسائی

نایب رئیس - رأی میگیریم به این پیشنهاد با تبدیل بدست روز به يك ماه آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب آقای فیروز آبادی پیشنهاد ختم جلسه کرده اند

وزیر عدلیه - بالاخره بنده تکلیفم باید معلوم شود الان از دبروز دوره اختیارات من تمام شده است تشکیلات ولایات هم هنوز باقی است چندین روز هم هست در اینجا صحبت کرده ام و خاطر آقایان کاملاً مسبوق شده است لهذا خواهش میکنم هر طور هست له با عدلیه امروز تکلیف بنده معلوم شود

آقا سید یعقوب - بنده با ختم جلسه مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - اولاً همین امروز در این تبصره مخالفین و موافقین چهار فرینج نفر حریف زدند بچه دلیل بنده که این را امضا کرده بودم من اجازه ندادید. ثانیاً همینطور که آقای وزیر عدلیه گفتند مجلس در این مسئله موافقت کرده است منتها دو پیشنهاد دیگر باقی

است این هم تمام شود بعد جلسه ختم شود

فیروز آبادی - بنده مسترد میدارم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعنوان تبصره ماده واحده شامل مداخله در حقوق و حدود وکلای عدلیه نمیشود.

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در آن ماده واحده که راجع به تشکیلات وزارت عدلیه بود بنده پیشنهاد کردم که آن ماده شامل حال وکلای که در عدلیه هستند نمیشود یعنی خارج از این ماده هستند و خوب است آقای وزیر عدلیه يك لطفی در بره آنها بفرمایند که آنها هم زاد باشند و امیدوارم ایشان هم موافقت کنند

جمعی از نمایندگان - رأی بگیری

فیروز آبادی - چنانچه خود آقای داور يك لطفی بکنند و نسبت وکلای کم لطفی نکنند بند مسترد میدارم.

نایب رئیس - تبصره پیشنهادی آقای معتضد مسترد میدارم (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل اضافه شود. آقای وزیر عدلیه باید اعضاء ولایات را از مستخدمین سابق دعوت کنند

نایب رئیس - آقای معتضد

معتضد - بنده مقصودم این بود چون یکعده از اشخاصی که از عدلیه خارج شده اند و فعلاً هم بیکار هستند و جزء منتظرین خدمت هم هستند يك توجهی نسبت بندها بشود که اشخاصیکه از خارج دعوت میشوند کمتر باشند ولی بعد از آنکه پیشنهاد بکام قبول شد بنده این پیشنهاد را مسترد میدارم.

نایب رئیس - تبصره پیشنهادی آقای حاج شیخ بیات.

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل را:

تبصره - بودجه کل وزارت عدلیه از تاریخ تصویب

ماده واحده تا دو ماه باید تقدیم مجلس شود.

آقای سید یعقوب - در خرداد باید بیاورند!
 حاج شیخ بیات - در خرداد هم اختیارات تمام شده بود. بنده این پیشنهاد را کردم از نقطه نظر اینکه يك بودجه هائی آقای وزیر عدلیه برای قضائی كه دعوت کرده اند، تنظیم کرده اند یعنی بانها گفته اند مطابق اشلی كه مجلس معین کرده مثلاً برای يك نفر عضو تمیز یا صد تومان چهارصد تومان چهار صد و پنجاه تومان حقوق قائل شده اند و همین ترتیب يك رتبه هائی برای قضاة قائل شده اند و گمان میکنم اگر این بودجه زودتر به مجلس نیاید يك زحمتی صولاً برای قضاة درست شود زیرا آنها بخيال اینکه دارای این حقوق هستند وضعیت زندگانشان را تغییر میدهند در صورتیکه ممکن است وقتی آن بودجه را بیاورند مجلس کم و زیاد شود و بنده از این جهت در اختیارات سابق هم این پیشنهاد را کردم که در خرداد بودجه را بیاورند بمجلس ولی در اینجا پیشنهاد کرده بودجه کل وزارت عدلیه را بیاورند زیرا هنوز تشکیلات ولایات را نداده اند بنا بر این پیشنهاد کردم که بعد از اتمام تشکیلات ولایات بودجه کل آن را بمجلس بیاورند و تکلیف اینها هم معلوم شود.

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد ماده الحاقیه پیشنهادی جمعی از آقایان

(اینطور خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنیم:

ماده الحاقیه - اهل محل بودن مانع از ورود در خدمت عدلیه آن محل نیست

نایب رئیس - آقای افسر

افسر - بعد از اینکه این قوانین موقت بیرون آمد در یکی از موادش نوشته شده بود که اهل محل نمیتواند

امروز چرا اخلاق اینطور شده؟! چرا با هم مبارزه میکنیم؟! این ابدأ معقول نیست. خوب هر کس با این فکر موافق است رأی میدهد هر کس موافق نیست رأی نمیدهد دیگر مبارزه لازم ندارد. عرض کنم که مأمورین محلی ارتباطاتشان، طایفه شان، خانواده شان، اوصالانشان، الزام برعایت از متنفذانشان و بالاخره بقدری مشکلات در مقابل قضیه ریخته می شود که لایحل میشود. خود بنده در مقابل آقای جمشیدی و شریعت زاده عجزه ...

(همهمه نمایندگان صدی زنگ)

دادگر - بنده در يك قضیه كه تصادف با يك نفر مازندرانى بکند آنجا عجزه چون اهل محل هستم و باید عاجز باشم زیرا میل دارم عاجز باشم، چون میخواهم در آن عائله زندگی کنم. و این اشکالات مرا زیاد میکند ولی من میتوانم ملائمت کنم قضای نمیتواند قضای نمیتواند رفیق باشد، قضای باید يك آدم بر کناری باشد ما در این موضوع تجربه داریم، يك قسمت از زندگان بنده به حل و عقد تصادمات اشخاص محلی با هم صرف میشود آنوقت يك قاضی محلی برود در يك محلی مخصوصاً در قسمت جزائى خوب عطفه دارد بنده به عائله ام عطفه دارم نمى شود عطفه مرا سلب کرد: این قضای مأمور امور جنائى هم هست باید تأدیب کنند، حبس کنند حکم قتل بدهد؛ این آدم نباید محلی باشد که بتواند این کارها را بکند تجربه به ماها حالی کرده است که محلی در محل اسیر ارتباطات خودش میشود و نسبت بوظایف خودش باوفا نیست، بنا بر این بنده باین مسئله عقیده ندارم.

نایب رئیس - آقای روحی مخالفید؟

روحی - بل.

حاج آقا رضا رفیع - رأی گرفته شد.

جمعی از نمایندگان - مذاکره کافی است.

بأسائى - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

نایب رئیس - بفرمائید.

بأسائى - يك قضیه باین مهمی بالاخره بایستی حل

شود. از روی احساسات که نمیشود حرف زد اگر بنا باشد قاضی محلی باشد گاهلاً برای این مملکت مضر است

(همهمه و قبل و قول نمایندگان - صدای زنگ - دعوت اسکوت)

آقای سید یعقوب - باسائى چه حق دارد حرف میزند! دو مخالف پشت سر هم چرا باید صحبت کنند!! یعنی چه!

بأسائى - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم، بگذارید

عراضه را بکنم. بگذارید مخالف و موافق حرف بزنند

آقای نیکه که مخالف این عقیده دارند حرف بزنند.

به هو و جنجال که کار از پیش نمبرود.

(همهمه نمایندگان - صدای زنگ)

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده يك مسئله را بعرض آقایان

نمایندگان ولایات باید برسانم ...

عدل - (خطب بد آقا سید یعقوب) موافقید یا

مخالف؟

آقا سید یعقوب - بنده موافقم و پیشنهاد هم کرده ام

عرض میکنم که ما تبعیت کردیم نظر نمایندگان آذربایجان

را که آنها این فکر را به ما دادند و بالاخره ...

(همهمه نمایندگان - صدای زنگ)

آقا سید یعقوب - اجازه بفرمائید، حالا خدمت

آقایان عرض می کنم ما باید اندازه امتیاز بین

مرکز و غیر مرکز قائل شویم که ولایات را مستعمره

مرکز نکنیم و این اندازه امتیاز برای مرکز قائل

نشویم، ما نباید تمام حقوق را از برای يك عائله که در

يك جا سكنی دارند قائل بشویم و سایر جاهارا مستعمره

قرار دهیم و بگوئیم که چون در افریقا دولت فرانسه

نمیگذارد قضاتش محلی باشند ما هم قضات مازندران با

شیراز را نمیگذاریم محلی باشد بعلمت اینکه ولایات مستعمره

طهران است، مثلاً کرمان که دارای شصت فرسخ طول

وعرض است شش تا وکیل داشته باشد ولی مرکز که عبارت است از حضرت عبدالعظیم و کوه البرز دوازده وکیل داشته باشد، این امتیازات است که ولایات را از مرکز دورگردان میکند، خیلی خوب یک مسئله را قانون اساسی بمرکز حق داده است که باید دیوان عالی تمیز در آنجا باشد، پارلمان در آنجا باشد، هیئت وزراء در آنجا باشد، بسیار خوب، اما دیگر نه اینکه هر کسی در مرکز است مثل اینکه از آسمان افتاده است و تمام مزایا متعلق به او باشد و قوانین از برای دیگران و تمام مراحم شامل حال آنها باشد، پس ما نمیتوانیم ولایات را در این جا زیر پا بگذاریم و بگوئیم قضاتی که اهل محل هستند نباید در ولایات باشند همینطور که آقای وزیر عدلیه یک قدمی برداشتند برای صلح و اصلاح نه اینکه آقای دادگر فرمودند که یک مأمورینی از مرکز روانه کنیم و برود گردن ما را بزند، خیر قضات باید بعنوان صلح و کد خدا منشی و عنوانی که در دیانت اسلام بوده است رفتار کنند این وقتی که از اهل محل باشد نمیکند تراعی اتفاق بیفتد؛ من میدانم که مأمورین غیر محلی چه مفاسدی دارند و چه بر سر مردم می آورند؛ دستور آسمانی ما قرآن است که میفرماید واجعل لی وزیراً من اهلی؛ قاضی که از اهل محل شد صلح و اصلاح میکند و حقوق مردم را حفظ میکند و اجتماعات را محفوظ میدارد بخلاف آنکسی که از اهل محل نباشد.

شیروان - برادرش اگر آدم کشت چه میشود؟

آقا سید یعقوب - آقا قانون اعم و اهم است یک فرد نادر مشمول قانون نیست؛ اگر شما یک فرد نادری برای بر هم زدن قانون بدست بیاورید دلیل بر بدی قانون نمی شود. اساساً عنوان عدلیه مربوط بصلح و اصلاح و کد خدا منشی است برای صلح و اصلاح است نه برای جدا کردن و فصل کردن بنا بر این اگر محلی باشد تمام این منافع درس هست و بقدر

امکان نمیکند ما، بین اهل محل جدال واقع شود. ما نمیتوانیم ولایات را از یک حقوق مسلم خودشان منع کنیم. آقای دادگر میفرمایند در مازندران همچو واقع میشود و چنین و چنان میشود...

(همهمه نمایندگان - صدای زنگ)

آقا سید یعقوب - آقایان بنده به هو از میدان در میروم تا فردا هم اینجا میباشم و حرفهایم را میزنم. یک مسئله دیگر هم قبلاً در یک تبصره عرض کردم. آقای شیروانی مساعدت کنند. کار اساسی بشود نه اینکه به ماست مالی کار درست بشود و آن اینست که ما محکمه را که تشکیل میدهم در تحت تقنین و مواظبت قانونی باشد وقتی نظر ما این باشد چه فرقی میکند؟ ولی آقایان توجه بفرمایند که اگر محلی باشد بهتر است چرا؟ برای اینکه چشمشان بهمند بگر می افتد پس ما که نمایندگان ولایات هستیم نباید حاضر شویم که این حق از ولایات سلب شود.

بیان - بنده اخطار نظامنامه دارم

نایب رئیس - بفرمائید

بیان - در ضمن پیشنهادهائی که میشود مابین اصلاح و ماده الحاقیه هیچ تفاوتی نیست ماده ۷۹ مینویسد هر اصلاح و ماده الحاقیه که در ضمن مباحثات اظهار میشود باید دلیل آن بطور اختصار گفته شود در صورتیکه وزیر ناخبر کمیسیون تقاضا نماید باید آن اصلاح یا ماده الحاقیه به کمیسیون ارجاع شود. در این صورت وقتی ماده الحاقیه را مطرح قرار میدهم یا اصلاح را باید بکنفر موافق و مخالف درس بحث کنند.

نایب رئیس - آقای روحی

روحی - آقای آقا سید یعقوب یک بیاناتی فرمودند که بنده هیچوقت منتظر نبودم که ایشان این مسئله را عنوان کنند آقا مستعمرات یعنی چه؟ تمام مملکت ما صورت واحد دارد و منحصر به کرمان یا اصفهان یا شیراز نیست. تمام مملکت ما است و ایران است و همه یک حال را دارد ما میگوئیم که قاضی محلی دارای

عاطفه است و ممکن نیست در عمل بتواند کار کند قضاة محلی بیداشخاصی باشند که متنفذین محلی توانند آنها را تحت نفوذ در بیاورند و بالاخره اینکه قرص چسبیده آید که باید حتماً محلی باشد این بعقیده بنده خوب نیست زیرا وزیر عدلیه مکلف است که اینها را بیکار نگذارد (همهمه بین نمایندگان - صدای زنگ)

عراقی - ما گفتیم مانع نیست. کی گفتیم حتماً محلی باشد وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که آقایان یکقدری در خط افراط و تفریط افتاده اند و طرفین قضیه برای آقایان به یک صورت خاصی جلوه گر شده اولاً اگر فراموش فرموده باشند اصل اینکه اعضاء پارک و قضات نباید اهل محل باشند این فکر را بنده در مواد نوشته ام و البته بعقیده خود بنده خوب هم بوده است که این کار را کرده ام آقا سید یعقوب - خوب نبوده است

وزیر عدلیه - بله آقای آقا سید یعقوب. حالاً عرض میکنم بکده از آقایان در این موضوع نظر مخالف اظهار میکنند و به آن معنی که اظهار میکنند راست است ولی ممکن است در بعضی مواقع یک اشکالاتی تولید بشود شما که نمیگوئید حکماً قاضی باید اهل محل باشد بلکه مقصود آن این است که اگر کسی اهل محل هم هست در صورتیکه در بخورد این مانع نباشد اما این مسئله چندان مهم و اساسی نیست چون اگر بنده این مسئله آن اندازه اساسی بود بیشتر آن که خودم بودم می آمدم اینجا می ایستادم و میگفتم آقایان بنده که این فکر را پیدا کرده ام کاملاً اعتقاد به این فکر دارم و جز این فکر هیچ کار دیگری نمی شود کرد و این یکی از مسائل مهم است ولی آن اندازه که آقایان میفرمایند مهم نیست حالا برای اینکه جمع بین نظریه آقایان بشود نباید روی این فکر ایستادگی کنیم که اگر خدای نخواست قاضی از محل باشد عالم بهم می خورد خبر ایداً...

زوار - اگر نباشد هم عالم بهم نمیخورد

وزیر عدلیه - بلی اگر نباشد هم عالم بهم نمی خورد بنا

بر این در هر حال اطمینان میدهم به آقایان که خود بنده در عمل حتی الامکان آن فکر اولیه خودم را تعقیب کنم یعنی اگر بنا شد یک اشخاصی در یک محلی بودند و خوب بودند آنها را در آن محل بگذارند مدنی سرکار باشند تا وقتی که بتوانند ورزش کنند و آنوقت بفرستیمشون بجای دیگر ولی اگر یک مواردی هم پیدا شد چنانچه در بعضی از سابقین عدلیه همین اشکال بر خوردیم اشخاصی که بدون گفتگو و کاملاً در مدنی که در یک محلی بوده اند خیلی خوب رفتار کرده بودند و رضایت اهل محل را جلب کرده بودند و همه هم آنها توجه دارند...

روحی - عکسش را هم بفرمائید

وزیر عدلیه - بنده عکسش را نمی آورم خواه محلی باشد خواه غیر اهل محل بنا بر این بنده دیدم اشخاصی که اهل محل بوده اند و مدتها هم خدمت کرده اند و خوب هم خدمت کرده اند آنها را نمیتوانم حاضر کنم زیرا حاضر نیستند و وضعیتشان هم طوریست که نمیتوانند بخرج بروند اگر در یک مواردی به این اشکالات بر خوردیم نباید جدیت کنیم و باید ظرفیت قضیه را رعایت کرد بنا بر این از آقایان خواهش میکنم بحرارت خود نینزایند و بگذارند قضیه بگذرد

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرید

یک نفر از نمایندگان - بکمر بنده دیگر قرائت شود.

(پیشنهاد سابق مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس - رأی میگیریم به این پیشنهاد. آقایان

موافقین قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد - آقای حاج شیخ بیات

پیشنهاد ختم جلسه را کرده اند مخالفی نیست؟

عراقی - بنده مخالفم.

نایب رئیس - بفرمائید.

عراقی - مخالفت بنده برای این است که لایحه عدلیه تمام

شده است و چیزی ندارد زیرا ماده واحده که تصویب شده بصره
بعدها هم که تصویب شده ماده الحاقیه مانده و فقط
يك رأى باقى است این رأى را هم بگیرد بعد جلسه
ختم شود.

نایب رئیس - رأى میگیریم بخدمت جلسه آقایان موافقین
قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد. ماده الحاقیه دیگر قرائت
میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه - پس از انحلال کار گذارها بودجه
و ارسال آنها به وزارت عدلیه منتقل و وزارت عدلیه
باعتبار لیاقت در استخدام آنها حق تقدم را مراعات
خواهد نمود یعقوب الموسوی و عده دیگر از آقایان
نمایندگان

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اولاً گمان نمیکنم آقایان با این
پیشنهاد مخالف باشند. در اینجا ما ملاحظه کردیم که
این کار گذارها قوه قضات در شان هست و عملی هم
هستند و يك آدمهای کاری هم هستند. این است که ما
پیشنهاد کردیم که آقای وزیر عدلیه اینها را مقدم بدارد.
با خودشان هم که صحبت کردیم قبول کردند.
بنابر این خواهش میکنم آقایان هم قبول فرمایند

وزیر عدلیه - بنده موافقم و از آقایان هم خواهش
میکم که رزي این مسئله رأى بدهند و البته مقصود هم
همین است که ما بتوانیم از آن اشخاصی که در این فن
کاملاً تخصص دارند استفاده کنیم

نایب رئیس - آقای افسر

افسر - در اینکه مابین اعضاء کار گذارها اشخاص

لائق یافت میشود جای تردید نیست ولی چنانچه بطور
مطلق بخواهیم این پیشنهاد را قبول کنیم بنده مخالفم
بجهت اینکه اشخاصی هستند که بی سابقه هستند و سابقه
هم ندارند لذا بر این خوب است آقای وزیر عدلیه قبول
نفرمایند که بعد از رسیدگی به دوسیه آنها و طرز
محاکماتشان اگر دیدند که برای استخدام در عدلیه لایق
هستند آنها را بیاورند و الا بطور مطلق بنده عقیده ندارم
نایب رئیس - رأى میگیریم به این پیشنهاد آقایان
موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. شور در کلیات است
مخالفي ندارد؟
(گفته شد خیر)

نایب رئیس - جمعی از آقایان پیشنهاد کرده اند
با ورقه رأى گرفته شود. آقایان موافقین ورقه سفید
میدهند و الا ورقه کبود.

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقراردیل
حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول ۸۰

ورقه کبود علامت رد ۱

نایب رئیس - عده حاضر ۸۸ با کثرت ۸۰ رأى
تصویب شد.

اسامی موافقین:

آقایان: شیروانی - حاج آقا اسمعیل عراقی -
بنی سلیمان - دیوان بیگی - افشار - امیرحسینخان ایلخان
نجومی - دکتر طاهری - فهیمی - افخمی - افسر -
سید کاظم بزدی - دکتر لقمان - میرزا حسن خان فرهنگ
سید جواد محقق - دکتر رفیع خان امین - ذوالقدر -
حقنویس - آقا علی زارع - میرممتاز - سهرابخان - اکیمنیان
میرزا حسن خان ابراهیمی - میرزا جوادخان خوئی -
عطاء الله خان بالیزی - محمد ولی میرزا - ارباب کینخسرو

نصرت الله خان اسکندری - معظمی - منی - وزیر -
نگهبان - زوار - یحیی خاں زنگنه اعظمی -
صالحی - آقا رضا مهدوی - سلطان محمد خان امری
میرزا ربیع خان جهانشاهی - محمدتقی خان اسعد -
ملك ابرج پور نیور - آقا زاده سنزاری - امیر تیمور
کلای - سید حسین آقایان - میرزا محمد علیخان بهداد
محمد آخوند - محمد ولی خان اسدی - میرزا ابوالقاسم خان - میرزا
سید احمدخان اعتبار - خواجوی - یسائی - شریعت زاده -
میرزا ابراهیم امام جمعه اهر - حاج علی اکبر امین -
مرآضی قلیخان بیات - اسکندر خان مقدم - حاج آقا
رضا رفیع - فومنی - تقه لاسلامی - دولتشاهی - وکیلی
طباطبائی - عدل - تقه الاسلام - بروجردی - حاج میرزا مرآضی

مخالف

آقای بهار

نایب رئیس - جلسه آینده روز یکشنبه چهار قبل از
ظهر. دستور اولاً اضافهات فوائد عده و ثانیاً اضافهات
وزارت امور خارجه.
(مجلس دو ساعت بعد از ظهر ختم شد)

www.iran-archival.com

قانون

تمدید قانون مصوب ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ راجع به اختیارات وزیر فعلی

عدلیه به مدت چهار ماه

مصوب ۲۸ خردادماه ۱۳۰۶

ماده اول - مجلس شورای ملی اختیارات وزیر فعلی عدلیه مصوبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ را از تاریخ تصویب اینقانون برای مدت چهارماه تجدید و تمدید مینماید

تبصره ۱ - کلیه رؤسای محاکم ومدعی العموم ها و وکلای عمومی درحوزه مأموریت خودشان اعم از ولایت یا ایالت از انتخاب شدن بوکالت مجلس شورای ملی محرومند

تبصره ۲ - مدت اختیار وزیرفعلی عدلیه برای استخدام اشخاصیکه سابقه خدمت دواتی ندارند از تاریخ تصویب اینقانون یکماه است

ماده دوم - اهل محل بودن مانع از ورود درخدمت عدلیه آن محل نیست

ماده سوم - پس از انحلال کارگذارها بودجه و پرسنل آنها بوزارتعدلیه منتقل ووزارتعدلیه بارعایت لیاقت دراستخدام آنها حق تقدم را مراعات خواهد نمود

این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه بیست و هشتم خرداد ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

حسین پیرنیا : رئیس مجلس شورای ملی